

فصلنامه خانه موسیقی ایران

سال دهم - شماره ۴۰ - زمستان ۱۳۹۹

با قامتی استوار به رسیدن بهار بنگر
برگزیدگان جایزه باربد معرفی شدند
موسیقی طبیعت
تدریس موسیقی، نیازمند بازنگری و توجه
۱۴۰۰ سالی با چشم اندازها و فرصت‌های تازه
یادنامه گلنوش خالقی



فهرست

- بشارت تغییر / ۲
با قامتی استوار به رسیدن بهار بنگر / ۳
برگزیدگان جایزه باربد معرفی شدند / ۶
نگاهی بر برخی نظام‌های طبقه‌بندی ساز در شرق / ۸
موسیقی طبیعت / ۱۰
ویژگی‌های یک استاد موفق / ۱۳
تدریس موسیقی، نیازمند بازنگری و توجه / ۱۵
۱۴۰۰ سالی با چشم‌اندازها و فرصت‌های تازه / ۲۱
معرفی کتاب و آلبوم / ۲۴
درگذشتگان زمستان ۱۳۹۹ / ۲۵
یادنامه گلنوش خالقی / ۲۶
اخبار موسیقی / ۳۰

فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران
سال دهم - شماره ۴۰ - زمستان ۱۳۹۹

سردبیر: حمیدرضا عاطفی
همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران، عطانویدی، ملیحه توکلی
ویراستار: مریم قاضی
مدیر هنری: افشین ضیائیان
گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندریپور

توزیع: سیدجواد موسوی‌زاده
خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱
خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نیش بوعلی‌سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴
www.iranhmusic.ir
* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مبین موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



*حمیدرضا عاطفی

بشارت تغییر

همه هیئت مدیره ها، شورای عالی، بخش اجرایی، عضویت، بیمه، همه و همه و با استمداد از نهادهای مختلف از جمله وزارت کار، وزارت ارشاد، صندوق اعتباری هنر، شهرداری تهران و ... توانست خدماتی هر چه اندک، به هنرمندان شریف حوزه موسیقی ارائه دهد.

توفیق ارائه این خدمت را باید مغتنم شمرد و آن را از افتخارات آخرین سال مسئولیت این دوره هیئت مدیره و مدیرعامل آن قلمداد کرد.

با فرارسیدن فصل بهار و مساعد شدن هوا و فضای باز جهت برگزاری انتخابات کانون‌ها، بهار، قطعا فصلی پربارتر و پربرکت‌تر از تمام فصول سال جدید است امید آنکه با حضور گسترده‌ی همه اعضا شاهد انتخابات پرشور و مثمر ثمری باشیم و با آمدن نیروهای جدید و اعضای با انگیزه تر در هیئت مدیره کانون‌ها، در آینده نزدیک شاهد تشکیل کانون‌های پرتوان تری باشیم تا این جهش و حرکت خوب نهاد مدنی خانه موسیقی با تزریق نیروهای جوان و پرتلاش و با اتکاء به تجربه پیشکسوتان و نیروهای مجرب خانه موسیقی استمرار یافته و همگی شاهد اعتلای بیشتر و توفیقات روز افزون این خانه امید اهالی موسیقی باشیم.

* سردبیر

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند...! بهار طلیعه گشایش و رویش جوانه‌ها و امیدواری است؛ این بهار نه فقط از پس زمستان و سردی و جمود طبیعت، بلکه از پس یک سال سختی و مرارت و استرس و فاصله‌های اجباری از راه می‌رسدو چه بهتر که دل به آن بسپاریم و دمی بیاسائیم که اگرچه سرما و زمستان می‌گریزند، اما همچنان نامرادی‌ها و همه‌گیری کرونای لعنتی می‌ستیزند و... می‌ماند مقاومت و تقویت روحیه و دلگرمی و امید ما که بهار همه را یکجا به ارمغان می‌آورد و باید قدر بدانیم و ارج نهیم و شب صحبت غنیمت شمیریم که عالم یک دم است.

سالی که گذشت علی‌رغم همه گرفتاری‌ها و مصایب مزمن اهل هنر، شیوع این ویروس تاجدار که در پی برداشتن تاج از سر آفرینش است قوزی باشد بالای همه قوزها و چه قیامتی از خسران و خسارت بپا کرد و چه دل افسردگی‌هایی که برجا گذاشت و چه شوم و بدسگال بود این سال سیاه، علی‌الخصوص برای اهل فرهنگ که هم بر غم نانشان افزود و هم لذت هم سخنی و همدلی شان را سوخت!

خانه موسیقی با تلاش مضاعف خود در این سال بی‌مروت بر آن شد تا در حد بضاعت خویش مرهمی باشد بر آلام اعضای خود و با همکاری و همیاری تک تک اعضای مؤثر و کوشا در

با قامتی استوار به رسیدن بهار بنگر

درآمد:

ناپذیر در سال ۹۹ بوده و هست. اما چه می توان کرد؟ به قول شجریان که در روزگار زلزله‌ی بم گفته بود: «اکنون باید توان زاری خود را به نیروی زندگی بدل کنیم و امید را برای آنان که مانده‌اند ارمغان آوریم»، ما نیز باید این چنین باشیم. روزگار سختی را پشت سر نهاده ایم و حالا در آستانه‌ی قرنی جدید روزنه‌ی ای رو به روشنائی روبروی ماست. باید «امید» را قدر بدانیم و همراه زندگی مان سازیم.

همزمان با آغاز سال ۱۴۰۰ نظر همه اعضای محترم شورای عالی و هیئت مدیره خانه موسیقی را جویا شدیم و قدردان عزیزانی هستیم که در زمانی کوتاه دعوت ما را برای زینت بخشیدن به این صفحات اجابت کردند:

سال ۱۳۹۹ با همه تلخی هایش برای مردم ایران به پایان رسید. سالی سخت و تلخ برای همه مردم و بخصوص هنرمندان موسیقی ایران. سالی بدور از صحنه‌ها و بی رونق برای هنر موسیقی؛ سالی که موسیقی رکود و سکون اش را به واسطه‌ی ویروسی نو ظهور با همه وجود احساس کرد. اما این تنها حسرت سال ۹۹ نبود. اهالی موسیقی و مردم هنردوست ایران زمین یکی از تاثیرگذار ترین و پیشروترین هنرمندان قرن را از دست دادند. فقدان استاد محمدرضا شجریان، استاد آواز ایران و ریاست سابق شورای عالی خانه موسیقی و دیگر هنرمندان فقید خدوم موسیقی قطعا ضایعه‌ی ای جبران

با آرزوی سلامت، سعادت، شادکامی و بهروزی برای همه‌ی هنرمندان، فرهیختگان، هنردوستان و مهربانان با مهر و ارادت بسیار

به مناسبت فرا رسیدن سال نو، پیام هایی از برخی اعضای محترم شورای عالی و هیئت مدیره خانه موسیقی منتشر می شود:

محمد سریر، عضو شورای عالی



سال نو بر شما گرامیان و عزیزان مبارک باد
امید که این سال و سال‌های آتی برای شما مبداء تحول و پیشرفت در زندگی تان و طلیعه‌ی ای برای موفقیت‌های آتی باشد.
سرفراز بمانید!

فرهاد فخرالدینی، رئیس شورای عالی خانه موسیقی



در تنهایی خود با غمی نهفته در سینه، با بغضی گلوگیر، با اشکی خشکیده در چشم و با قامتی خمیده چون کمان رو به پنجره گشوده نشسته بودم، بلبل‌ی رسیدن بهار را نوید داد، چهچه‌ی زیبایش حال مرا عوض کرد، با خود گفتم غم و بغض و اشک به کنار با قامتی استوار به رسیدن بهار بنگر و فرارسیدن نوروز باستانی را به ملت شریف، نجیب و با فرهنگ ایران تبریک و شادباش بگو.

داود گنجه‌ای، عضو شورای عالی



سلامتی بزرگترین نعمتی است که خداوند به افراد می‌دهد. برای همه ملت ایران و بخصوص برای تک تک اعضای شریف خانه موسیقی آرزوی سلامتی می‌کنم و امیدوارم خداوند همه را از گزند بلاها مصون بدارد. امیدوارم سال ۱۴۰۰ برای همه مردم توأم با سلامتی، موفقیت و شادکامی باشد. برای همه مردم و

گرچه سالی که گذشت سال نکویی نبود و با تاسف فراوان بسیاری از دوستان و هم میهنان گرامی مان را از دست دادیم، باید دل قوی داریم و امیدوار باشیم که در سال نو از بالای نحس کرونا و مشکلات و نامالایمات دیگر رهائی خواهیم یافت.

یقین دارم پروردگار مهربان عالم که آفریننده‌ی زیبایی‌ها و هنرهاست مردم ستم دیده ما را از شر این مشکلات و نامالایمات و این بالای زشت خانمان سوز ناخوانده نجات خواهد داد.

حسن ریاحی، عضو شورای عالی

امیدوارم سال ۱۴۰۰ برای همه مردم ایران، هنرمندان و بخصوص هنرمندان جوان سال خوبی باشد و امیدوارم که مشکل ویریس کرونا در این سال حل شود و انشاالله فعالیت‌های هنری و موسیقایی بیشتر و گسترده‌تر باشد.

خوشبختانه جشنواره موسیقی سال ۹۹

باعث شد، فعالیت‌های موسیقی آغاز شود و حرکت خوبی در این شرایط خاص شکل گرفت و امید داریم سال آینده این فعالیت‌ها تداوم یابد.

**تقی ضربابی، رئیس هیئت مدیره خانه موسیقی**

پروردگارا! پیش از آنکه از دست برویم دست ما را بگیر. خدایا جامعه را به استناد عقل و علم با مفاهیم انواع موسیقی آشنا کن تا جایی که هر انسان عاقل، بازشناسی مثبت و منفی را تمیز دهد.

پروردگارا! اهالی موسیقی را که عمری با عشق ورزی به کار ساخت و سازهای مختلف آن در جهت اعتلای اخلاق انسانی زحمت کشیده اند، تندرست و پیروز بفرما. آمین!

**هنگامه اخوان، عضو هیئت مدیره**

آمد بهار جان‌ها ای شاخ‌تر به رقص آ نوروز پیام آور مهر و محبت و آهنگ تحول زمین و زمان است.

حلول سال نو تولد دوباره طبیعت، عید

فرخنده و کهن نوروز باستانی را که یادگار نیاکان، و پیام آور دوستی، عشق و محبت و تحول به مراحل نیکوتر و برتر است، از خداوند بزرگ برای جامعه هنرمندان و ملت بزرگ ایران تبریک و تهنیت عرض نموده و در سال نو و شروع قرن ۱۴۰۰، سلامتی و شادکامی و موفقیت و بهروزی برایتان آرزو مندیم.

با مهر

هنرمندان بخصوص خاندان خانه عشق، خانه موسیقی سال خوبی پیش رو باشد.

برای مدیرعامل محترم و مدیر اجرایی محترم، اعضای محترم هیئت مدیره و دیگر زحمتکشان آرزوی سال خوشی دارم.

داریوش پیرنیاکان، دبیر و سخنگوی شورای عالی

درود بر هم میهنان گرامی!



آغاز سال نو و عید باستانی نوروز را به همه هم میهنان گرامی و جامعه هنری خجسته باد می‌گوییم.

و آرزو می‌کنم سال جدید همراه با سلامتی و شادکامی و بدون ویروس کرونا و بهبود وضع اقتصادی آغاز و ادامه یابد.

درود و بدرود

هوشنگ کامگار، عضو شورای عالی

در سالی که گذشت تنها یک آرزو در دل داشتم؛ سلامتی، سلامتی، سلامتی برای همه.

در سالی که گذشت اندوه و پریشانی مردم جهان و هموطنان عزیزم غمی عمیق بر جانم انداخته بود؛ غمی که در بیش از ۷۰ سال زندگی تجربه نکرده بودم و این

غم هر روز با از دست دادن هنرمندان و دوستان فرهیخته صد چندان می‌شد.

در سالی که گذشت هر لحظه قدر زیستن و بودن با یاران و دوستان را بیشتر دانستم و معنای جدیدی از زندگی را تجربه کردم.

به مناسبت سال نو باز هم آرزوی دیگری جز سلامتی برای همه ندارم و از عمق جان آرزو می‌کنم که سال جدید سالی سرشار از سلامتی و امید، سالی بدور از بیماری، سالی سرشار از رونق باشد؛ و برای دوستان هنرمندم و خانواده موسیقی آرزو می‌کنم که شرایط به گونه ای باشد که باز هم صدای ساز و آواز و موسیقی از سالن‌های کنسرت، آموزشگاه‌های موسیقی، مدارس و دانشگاه‌ها شنیده شود.

با آرزوی سلامتی برای همه



رضا موسوی زاده، عضو هیئت مدیره

بسیاری از اندیشمندان و جامعه شناسان بر این باورند که مقوله هنر؛ گذر و عبور از مرز خلاقیت و ابداع و زایشی نو بوده که در اذهان هنرمندان وجود آمده و تولدملموس و نمایان را پیام آور است. از این رو اگر با احساساتی رها و بدور از دغدغه‌های ذهنی، موقعیت خود را در کائنات پیدا کنیم، در مسیر گذران عمر، در هر سال شاهد تولدو دگر دیسی تحت عنوان فصل بهار خواهیم بود. از این رو میتوان طبیعت این کره خاکی را هنرمندی خلاق و نو آور انگاشت که گویی به سان نغمه پردازان و نوازندگان؛ هر گل و سبزه ای را بر لوح این کره خاکی می‌سراید. از آنجایی که لطافت؛ پدیده آورنده مهر و عطوفت است؛ بطور نهادینه در سرزمین ایران که از دیر باز آیین مهرورزی از اصول زندگی اقوام این سرزمین بوده؛ ایرانیان را بر آن داشته تا طلوع و تولد طبیعت را شروعی تازه و نو و سر آغازی دیگر از فصلی جدید برای مهرورزی و امید به زندگانی بیاندیشند؛ آنچه که بشر امروزی با وجود پیشرفتهای بالای تکنولوژی هنوز نتوانسته جای گزین آن نماید؛ همانا امید و عشق ورزیدن به بقاء میباشد که بطور موروثی در مردم این سرزمین در فصل بهار از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و با اشتراکاتی همچون ادبیات فارسی و زبان مشترک توانسته از مرزهای کنونی؛ راه به سرزمینها و قومهای مختلف در فراسوی افق بیابد؛

تولد بهار و زایش نوای طبیعت را ارج بنهیم
با آرزوی حفظ امید و انگیزه برای ابناء بشر بویژه
مهرورزان و هنرمندان سرزمینم



آذر هاشمی؛ بازرس خانه موسیقی

سالی که گذشت سال دوری‌ها از دست دادن‌ها و روزهای پر از نگرانی برای همه ما بود. فهمیدیم چقدر به با هم بودن محتاج هستیم سالی بود که قدر همدیگر را فهمیدیم. آرزو می‌کنم سالی با سلامتی و دل خوش و در کنار هم بودن را آغاز بکنیم و قدردان تمام لحظات خوب زندگی باشیم. الهی امین!

مسعود شعاری، عضو هیئت مدیره



بی شک همه بر این باور هستیم که هنر و هنرمند از خود مردم هستند و گره ناگشودنی بین هنرمند و مردم است و نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد. اما به جرات می‌توان گفت که هنرمند وظیفه خطیری دارد آن هم روشن نگاه داشتن چراغ

فرهنگ این مرز و بوم است و به یقین در این سال سختی که گذشت هنرمندان و اهالی موسیقی به سختی توانستند این چراغ را روشن نگاه دارند و با اتکا به نیرو و ایمان خویش این مهم را گردن نهند.

امیدواریم که سال جدید سالی باشد بهتر از پیش و گره از کار فرو بسته این اهالی عشق گشوده شود و به سلامتی و صلح و آرامش بیشتر از پیش نمود پیدا کند.

فرمان مرادی، عضو هیئت مدیره



سالی که گذشت سالی سخت برای اهالی موسیقی و البته برای همه مردم ایران بود. سایه ویروس کرونا در تمام شئون زندگی مردم سایه افکند و آسیب پذیر ترین بخش فرهنگ و هنر و بالاخص موسیقی بود. هنر مظلومی که سالهاست

مورد جفاهای فراوان قرار گرفته اما در سال ۹۹ بیشترین بی مهری را تحمل کرد. امیدوارم سال جدید راه برای اهالی شریف موسیقی هموار گردد، فعالیت‌های موسیقی، کنسرت‌ها، همایش‌ها، نمایشگاه‌ها و ... دوباره رونق گیرد. برای همه مردم ایران، هنرمندان و اهالی موسیقی آرزوی سالی با آرامش و سلامتی دارم.

ای خدا این وصل را هجران مکن
سرخوشان عشق را نالان مکن
باغ جان را تازه و سرسبز دار
قصد این مستان و این بستان مکن
چون خزان بر شاخ و برگ دل مزین
خلق را مسکین و سرگردان مکن



در اختتامیه جشنواره موسیقی فجر

برگزیدگان جایزه باربد معرفی شدند

اله یاری مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد، حسن ریاحی دبیر جشنواره، مهدی افضلی مدیرعامل بنیاد رودکی و نیکنام حسینی پور مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت و حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی ایران از مدیران حاضر در مراسم بودند.

مراسم اختتامیه سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر با معرفی برگزیدگان جایزه باربد و تجلیل از چهره‌های پیشکسوت چهارم اسفند ماه در تالار وحدت برگزار شد. سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سید محمد مجتبی حسینی معاون امور هنری وزارت ارشاد، محمد

همان‌طور که این توفیق حاصل شد جشنواره ملی موسیقی جوان و جشنواره ملی موسیقی نواحی کشور هم برگزار شود.

در این دوره بخش رقابتی به جشنواره بازگشت و شاهد رقابت آلبوم‌های فراوانی بودیم، اقبال خوبی از سوی هنرمندان برای حضور و شرکت در بخش اجراهای صحنه‌ای جشنواره شاهد بودیم و جایزه ترانه، جایزه موسیقی و رسانه و بخش پژوهش جشنواره نیز برگزار شد.

امیدوارم جایزه باربد ادامه پیدا کند

حسن ریاحی دبیر جشنواره نیز در پیامی گفت:

سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر هم برگزار شد و اینجا لازم می‌دانم از مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین ستاد جشنواره که در این مدت در بخش‌های مختلف زحمت کشیدند تشکر کنم. امسال مسئله مهمی که اتفاق افتاد اعلام مجدد جایزه باربد بود که خیلی استقبال شد، هنرمندان جوان مخصوصاً در بخش آهنگسازی و نوازندگی استقبال کردند و امیدوارم این جایزه ادامه پیدا کند و اگر امکان داشته باشد بخش رقابتی از سال آینده بین‌المللی برگزار شود یعنی هنرمندان خارج از کشور که روی موسیقی ایران کار می‌کنند، آثار خود را ارسال کنند. امیدوارم سال آینده با حل شدن مسئله کرونا بتوانیم جشنواره را وسیع‌تر برگزار کنیم.»

برندگان جایزه ترانه

در ادامه نوبت به بخش جایزه ترانه رسید. داوران این بخش برای اهدای جایزه به روی سن دعوت شدند و پس از قرائت بیانیه

رویدادهای موسیقی آسیب بسیار جدی تری را تجربه کردند

معاون امور هنری وزارت ارشاد در بخشی از پیام خود به جشنواره گفت:

یک سال سخت را پشت سر گذاشتیم سالی که مهمان ناخوانده کرونا با آفات متعدد و ابتلائات بسیاری از زمینه فعالیت‌های هنری را بسیار محدود کرد سالی که فعالیت‌های هنری به دلیل مراعات ناگزیری که باید برای حفظ سلامتی می‌داشت، محدود برگزار شد یا برگزار نشد و به خاطر همین موضوع شاید رویدادهای موسیقی آسیب بسیار جدی تری را تجربه کردند.

اقبال خوبی از سوی هنرمندان برای حضور و شرکت در جشنواره شاهد بودیم

در ادامه متن پیام تصویری محمداله یاری مدیرکل دفتر موسیقی پخش شد. در قسمتی از پیام آمده بود:

از آغازین روزهای شیوع کرونا هنرمندان شریف این مرز و بوم رسالت اجتماعی خود را به جا آوردند و با تولید و خلق آثار مختلف به یاری کادر درمان و همین‌طور مردم عزیزمان شتافتند و در یک سالی که فعالیت‌های فرهنگی و هنری در کنار بسیاری از فعالیت‌های شغلی دیگر امکان اجرای جمعی نداشت دست به ارائه اثر و خلق اثر زدند.

علی‌رغم سختی‌هایی که کرونا داشت امسال سعی شد در شکل جدید سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر را برگزار کنیم.

جوایز برگزیدگان اهدا شد.

برگزیدگان به شرح زیر معرفی شدند:

آهنگسازی موسیقی کلاسیک

تندیس باربد بهترین آهنگسازی موسیقی کلاسیک (کاوه میرحسینی برای آلبوم اشراق)

دیپلم افتخار بهترین آهنگسازی موسیقی کلاسیک (مهران درخشان برای آلبوم انگاره‌ها)

اجرای موسیقی نواحی

تندیس باربد بهترین اجرای موسیقی نواحی (حمزه مقدم برای آلبوم حمزه سیا)

دیپلم افتخار بهترین اجرای موسیقی نواحی (محمد سلم‌آبادی برای آلبوم آوای صحرا)

خوانندگی موسیقی نواحی

تندیس باربد بهترین خوانندگی موسیقی نواحی (ابوالحسن خوشرو برای آلبوم طالبا و موسیقی حماسی مازندران)

دیپلم افتخار بهترین خوانندگی موسیقی نواحی (نورمحمد درپور برای آلبوم دردانه)

اجرای موسیقی دستگاهی

تندیس باربد بهترین اجرای موسیقی دستگاهی بی کلام (هوشمند عبادی برای آلبوم نایی)

دیپلم افتخار بهترین اجرای موسیقی دستگاهی بی کلام (بهاره فیاضی برای آلبوم افرا)

آهنگسازی موسیقی دستگاهی

تندیس باربد بهترین آهنگسازی موسیقی دستگاهی با کلام (بهمن فریادرس برای آلبوم پرواز و آواز)

دیپلم افتخار بهترین آهنگسازی موسیقی دستگاهی با کلام (سیامک جهانگیری برای آلبوم من همان نای ام)

خوانندگی موسیقی دستگاهی

تندیس باربد بهترین خوانندگی موسیقی دستگاهی (مجتبی عسگری برای آلبوم عشیران)

دیپلم افتخار بهترین خوانندگی موسیقی دستگاهی (مهدی امامی برای آلبوم من همان نای ام)

ناشر موسیقی

تندیس باربد بهترین ناشر موسیقی (محمد موسوی نشر ماهور)

دیپلم افتخار بهترین ناشر موسیقی (علی صمدپور، نشر خانه هنر خرد)

آهنگسازی بخش معاصر و ارکسترال ایرانی بی کلام

تندیس باربد بهترین آهنگسازی بخش معاصر و ارکسترال ایرانی بی کلام (رضا والی برای آلبوم سرنا)

دیپلم افتخار بهترین آهنگسازی بخش معاصر و ارکسترال ایرانی بی کلام (پویا باباعلی برای آلبوم دوردست‌ها)

آهنگسازی بخش معاصر و ارکسترال ایرانی با کلام

تندیس باربد بهترین آهنگسازی بخش معاصر و ارکسترال ایرانی با کلام (امیر پورخلجی برای آلبوم عاشق کیست)

دیپلم افتخار بهترین آهنگسازی بخش معاصر و ارکسترال

ایرانی با کلام (سیاوش ولی‌پور برای آلبوم سرود مرد سرگردان)

خوانندگی بخش معاصر و ارکسترال ایرانی

تندیس باربد بهترین خوانندگی بخش معاصر و ارکسترال ایرانی (وحید تاج برای آلبوم از برگ‌ها)

دیپلم افتخار بهترین خوانندگی بخش معاصر و ارکسترال ایرانی (پوریا اخواص برای آلبوم سرود مرد سرگردان)

آهنگسازی و اجرای موسیقی پاپ و تلفیقی بی کلام

تندیس باربد بهترین آهنگسازی و اجرای موسیقی پاپ و تلفیقی بی کلام (مصطفی قناعت برای آلبوم کبوتر خانه)

دیپلم افتخار بهترین آهنگسازی و اجرای موسیقی پاپ و تلفیقی بی کلام (هومن شیرعلی برای آلبوم تنیده در صدا)

آهنگسازی موسیقی پاپ و تلفیقی با کلام

تندیس باربد بهترین آهنگسازی موسیقی پاپ و تلفیقی با کلام (گروه داماهی برای آلبوم در من برو شکار)

دیپلم افتخار بهترین آهنگسازی موسیقی پاپ و تلفیقی با کلام (پویا کلاهی برای آلبوم طاووس پرسته)

تقدیر هیئت داوران از گروه بمرانی برای اجرای آلبوم سیزده

چهل

خوانندگی بخش پاپ و تلفیقی

تندیس باربد بهترین خوانندگی بخش پاپ و تلفیقی (پویا کلاهی برای آلبوم طاووس پرسته)

دیپلم افتخار بهترین خوانندگی بخش پاپ و تلفیقی (رضا کولغانی برای آلبوم در من برو شکار)

تجلیل از چهار بیشکسوت

در ادامه مراسم مستند بزرگداشت محمدرضا اسحاقی گرجی خواننده و نوازنده دوتار گرجی، زنده‌یاد احمدعلی راغب آهنگساز، ملیحه سعیدی نوازنده قانون و حسن ناهید نوازنده نی برای حضار بخش شد و در ادامه استادان موسیقی مورد تقدیر قرار گرفتند.

در خاتمه مراسم سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای سخنرانی به روی صحنه دعوت شد.

ایران همزاد نوا و صداست

وزیر ارشاد در بخشی از سخنانش گفت: «اگر ما به ایران می‌بایم که ایران یک رنگین کمان است. اقلیم‌های گوناگون و زیبایی‌های فراوان بخشی از تنوع اقلیم ایران به رسم و رسوم و فرهنگ و هنر این اقلیم است و موسیقی اقلیم ایران، بخش نمایان این رنگ شاداب ایران است. موسیقی‌های مختلفی که در جای‌جای ایران وجود دارد، به نحوی نما و نمایه ایران عزیز و زیباست. بدین گونه نوا، صدا و موسیقی با پیکره ایران تنیده شده است؛ هم با گذشته تاریخی و هم در اکنون. بنابراین نمی‌توان از ایران این نوا و صدا را جدا کند و ایران را بدون آن تصویر کرد، حتی در دوره کرونا. اینکه در شرایط سخت کرونایی امروز کنار هم قرار گرفته‌ایم و جشن و جشنواره موسیقی را برگزار می‌کنیم، بدان معناست که حتی در سخت‌ترین احوال هم موسیقی از ایران جدا نیست.»

سی و ششمین جشنواره موسیقی فجر از ۲۸ بهمن آغاز و با معرفی برگزیدگان در چهارم اسفند به پایان رسید.



بابک خصرائی

نگاهی بر برخی نظام‌های طبقه‌بندی ساز در شرق

می‌آید به دیگر سخن آن که هر تار تنها یک نغمه تولید می‌کند (مانند معزف و چنگ) و دیگر، سازهایی که هر تار آنها موجد چندین نغمه است (مانند عود و تنبور بغدادی و تنبور خراسانی)؛ دوم سازهای بادی که دمیدن هوا در لوله آنها سبب تولید صدا می‌شود مانند مزمرا و سرنای و مزواج (دونای)؛ سوم سازهای دارای تار که صدا با کشیدن کمانه‌ای بر تار آنها پدید می‌آید مانند رباب (فارابی، ص ۴۹۶-۸۷۷). عبدالقادر مراغی (متوفی ۸۳۸) در جامع‌اللاحان (ص ۲۱۷) سازها را به سه دسته کلی تقسیم می‌کند: ۱. ذوات‌الآوتار (سازهای دارای تار) شامل: عود کامل، عود قدیم، طرب‌الفتح، شش‌تای، طرب‌رود، طنبور شرونیان، طنبوره مغولی، روح‌افزای، قوپوز رومی، اوزان، نای طنبور، رباب، مُغنی، چنگ، آکری، قانسون، کمانچه، غُزک، یکتای، تَرَتَنای، ساز دولاب، ساز غایی مرصع، تحفه‌العود، شَدَرغُو (یا شَدَرغُو)، پیپا، یاتوغان، شهرود، رود خانی. ۲. ذوات‌النفع (سازهای بادی) شامل: نای سفید، زمر سیه‌نای، سرنای، نای بلبان، نای چاور، نغیر، باق، بورغو، موسیقار، چبچیق، ارغنون، نای‌انبان. ۳. کاسات و طاسات، شامل ساز کاسات (شامل کاسه‌هایی که با ریختن چیزی مانند آب در آنها به اندازه مشخص، از هر کدام نغمه‌ای خاص حاصل می‌شده است)، ساز طاسات (مانند کاسات)، ساز الواح فولاد (تیغه‌های فولادی که هر کدام به اندازه‌های حساب‌شده بریده می‌شده‌اند تا نغمه‌ای خاص تولید کنند). گفتنی است که در دو تقسیم‌بندی بالا از پوست‌صدا (مانند دف) و نیز سازهای خودصدا که صرفاً در برای تولید ریتم به کار می‌روند و نغمه مشخصی تولید نمی‌کنند (مانند سنج) نشانی نیست. به این ترتیب به نظر می‌رسد عبدالقادر، و احتمالاً به‌طور کلی فرهنگ موسیقایی آن زمان، اینها را «ساز» به شمار نمی‌آوردند.

دسته‌بندی دیگری از سازها که صراحتاً در رسالات موسیقی کهن به‌عنوان دسته‌بندی ذکر نشده اما با در نظر گرفتن مواردی می‌توان عملاً آن را نوعی دسته‌بندی به شمار آورد، تقسیم سازها به سازهای «کامل» و «ناقص» است. مثلاً در کنز‌التحف (حسن کاشانی؟، ص ۱۱۵) آمده: «چنگ، به نسبت با سازهای کامل، ناقص است اما به نسبت با سازات ناقصه، کامل است». نیز عود «کامل‌ترین سازها» خوانده شده است (میرصدرالدین قزوینی، ص ۸۸). در کلیات یوسفی (ضیاء‌الدین یوسف، ص ۴) کامل بودن عود را از این رو دانسته که در عود نواختن بخش‌های مختلف آهنگ‌ها در هر دو منطقه زیر و بم ساز امکان‌پذیر است در حالی که در سازها، مانند «نای عراقی» به سبب محدودیت این ساز، بخش‌هایی از یک آهنگ را باید منحصراً در بم یا زیر نواخت. امروزه در موسیقی کلاسیک ایران سازهایی مانند تار و کمانچه را می‌توان از جمله سازهای کامل دانست که امکان نواختن تمام فواصل رایج در موسیقی ایران در بخش‌های مختلف آن وجود دارد در حالی که ساز سنتور را به سبب آن که

شناخت سازها با توجه به طیف گسترده آنها، از تکه‌ای سنگ تا سازهای الکترونیک امروز، از دیرباز نوعی طبقه‌بندی را ایجاد می‌کرده است. یکی از شناخته‌شده‌ترین و مفصل‌ترین شیوه‌های طبقه‌بندی سازها در قرن بیستم به دست هرن بستل و کورت زاکس به انجام رسیده است که در اینجا موضوع بحث نیست و به برخی نظام‌های طبقه‌بندی در قرن‌های گذشته در آسیا خواهیم پرداخت. از معانی متعدد «ساز» وسیله و ابزار است؛ چنان که در اصطلاح «ساز و برگ» این معنی را می‌توان دید (دهخدا ذیل واژه: — اسدی طوسی، ذیل انگشتال). به‌روشنی نمی‌توان گفت از چه زمان اصطلاح «ساز» — آن گونه که امروزه مرسوم است — به‌طور خاص و گاه مطلق به معنی ابزار و آلت نواختن موسیقی به کار رفته، باین همه این واژه از دیرباز با اصطلاحات موسیقی پیوند داشته است؛ در شاهنامه فردوسی «رودساز» به معنی نوازندهٔ رود است (دهخدا، ذیل واژه). نظامی گنجوی نیز در منظومهٔ خسرو و شیرین در همین معنی از «مرغان دهل‌ساز» سخن رانده است (نظامی، بخش ۶، در سابقه نظم کتاب) اما به نظر می‌رسد همو در شرح احوال باربد در بیت «ز صد داستان که او را بود در ساز / گزیده کرد سی لحن خوش‌آواز» (همان، بخش ۵۰، سی لحن باربد)، ساز را نزدیک به مفهوم امروزی آن، یعنی ابزار نواختن موسیقی، به کار برده باشد.

کهن‌ترین شیوه‌های نظام‌مند تقسیم‌بندی سازها به فرهنگ‌های چینی و هندی برمی‌گردد؛ به نظر چینی‌های باستان انسان هشت ماده برای تولید موسیقی در اختیار دارد و این مواد را مبنای تقسیم‌بندی سازها قرار داده‌اند؛ این هشت ماده عبارت‌اند از: پوست حیوانات (مثلاً در طبل)، سنگ (در سازهای سنگ‌صدا یا لیتوفن^۱ مانند کینگ^۲)، فلز (مانند زنگ)، گل پخته (مانند سووتک گلی)، ابریشم (مانند سازهایی که وتر آنها ابریشمی است)، چوب (مانند یو^۳ که نوعی چوب‌دست دنداندار است)، نی (مانند انواع نی‌های سوراخ‌دار)، کدوی قلیانی (مانند هولوسی^۴ که یک ساز بادی است که از کدوی قلیانی و بامبو ساخته می‌شود). در فرهنگ قدیم هند سازها بر اساس کاربرد آنها در ناکا^۵ (نمایش همراه با موسیقی) است در این برنامه یک قطعهٔ موسیقی با چهار گروه ساز اجرا می‌شود: تاتا^۶ شامل سازهای زهی، آواندها^۷ یا پائوشکارا^۸ شامل انواع طبل، گهانا^۹ یا تالا^{۱۰} شامل سازهای کوبه‌ای با بدنهٔ سفت، سوشیرا^{۱۱} یا وامشا^{۱۲} شامل سازهای بادی (مسعودیه، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

حکما و موسیقی‌شناسان اسلامی نیز به شناسایی و طبقه‌بندی سازها دست زده‌اند؛ از جمله فارابی فن دوم (شامل دو مقاله) از کتاب موسیقی‌الکبیر را به این موضوع اختصاص داده و از سه دسته ساز یاد کرده است: اول سازهای دارای تار که بر آنها زخمه زده می‌شود که اینها خود دو دسته‌اند یکی آن که از هر تار آنها نغمه‌ای خاص پدید

از دیدگاه فقهی هم سازهای موسیقی به دو دسته قابل تقسیم است: آلات مختص و آلات مشترک. قسم اول به ابزار و آلاتی گفته می‌شود که نوعاً در لُهو و لعب به کار رفته و با آن آهنگ‌های مناسب مجالس فساد و رقص و پایکوبی نواخته می‌شود. این قسم هیچ منفعت حلالی در بر ندارد و استفاده از آن در هر حال اشکال دارد (هر چند به صورت لُهو نواخته نشود). قسم دوم به آلاتی گفته می‌شود که می‌توان با آن آهنگ‌های حلال و حرام نواخت. اگر به‌طور لُهو و (مطرب) و مناسب با مجالس یادشده نواخته شود، استفاده از آن حرام است و در غیر این صورت نواختن آن اشکال ندارد. فقیهان و مراجع تقلید، در تبیین و تشخیص مصداق‌ها و نمونه‌ها و اینکه کدام آلات از قسم اول و کدام از قسم دوم است، اختلاف‌نظر دارند. اکثر آنان برخی از آلات و ابزار رایج موسیقی در این عصر را از آلات مشترک می‌دانند؛ مانند: طبل، سنج، نی، شیپور، دهل، ساز، تار، دف، سنتور.

(نک سایت پرسمان دانشگاهیان - <https://www.porseman.com/ar-ticle/108693>).

از منظر فراموسیقایی نیز سازها قابل مطالعه‌اند؛ مثلاً دربارهٔ ساز «نی» در رساله‌ای موسیقی، که در عهد صفوی تألیف شده، گفته شده که رسول اکرم (ص) در بازگشت از معراج نکته‌ای از اسرار الهی به حضرت امیر (ع) گفت و از ایشان خواست که این راز را به کسی نگوید و آن حضرت سر در چاه کرد و آن راز را به چاه گفت و از آن چاه نی‌ای رست و آن نی به دست چوپانی افتاد و صوتی از آن برمی‌آمد که از وحوش و طیور قرار و آرام می‌ستاند (گمنام، ص ۱۸۸). این موضوع، صرف‌نظر از اعتبار روایت، به شناخته‌شدن تأثیر این ساز بر موجودات از روزگار قدیم اشاره دارد چنانکه مولوی نیز *مثنوی معنوی* خود را با اشاره به این ساز آغاز کرده که از جدایی‌ها حکایت و شکایت می‌کند و از «صفرش مرد و زن نالیده‌اند» (مولوی، ص ۱). از دیگر جنبه‌های فراموسیقایی سازها می‌توان به نکتهٔ مراعی (ص ۱۱۹) دربارهٔ ارتباط تارهای چهارگانهٔ عود، به ترتیب از بم به زیر، با چهار عنصر خاک، آب، باد و آتش و نیز اخلاط چهارگانهٔ سودا، بلغم، خون و صفرا اشاره کرد. کاربرد سازها در درمان و تسکین بیماری‌ها نیز مطرح است از جمله در ترکمن صحرا از دوتار برای تسکین بیماری سرخک به‌ویژه برای کودکان استفاده می‌کرده‌اند (اطرای و درویشی، ص ۸۴).

بخش‌های مختلف ساز از قبل برای فواصل خاص کوک می‌شود و امکان نواختن آهنگ‌هایی با فواصل دیگر در ممکن نیست، در دستهٔ سازهای ناقص قرار می‌گیرد.

طبقه‌بندی دیگری که به‌ویژه در گذشته، عملاً وجود داشته، دسته‌بندی آنها برحسب فضا و محیطی است که در آن نواخته می‌شوند؛ مثل سازهایی که در محیط بسته نواخته می‌شده‌اند که معمولاً می‌توان آنها را سازهای «بزمی» خواند و دستهٔ دیگر سازهایی که در محیط باز به کار می‌روند که گاه «رزمی» و گاه «آیینی» (مثلاً آیین عروسی و آیین عزاداری محرم) هستند. سازهای دستهٔ اول به نسبت دستهٔ دوم، عموماً کم‌صداترند و غالباً شامل سازهای زهی و نیز سازهای پادی و کوبه‌ای کم‌صدا را شامل می‌شوند. سازهای دستهٔ دوم عموماً سازهای پادی و کوبه‌ای (خودصدا و پوست‌صدا) پرصدا را در برمی‌گیرند؛ مثلاً در قلمرو سلجوقیان در قرون پنجم و ششم، برخی سازهای شناخته‌شده در این دسته‌بندی قرار گرفته‌اند به‌این ترتیب که سازهای طبل، کوس، بوربورنگ و نفیر از سازهای رزمی، و سازهای رباب، چغانه، تنبور، نی، رود، برپت و دف از جمله سازهای بزمی‌اند (خضرائی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹).

سازها را از منظری دیگر نیز می‌توان در نوعی دسته‌بندی قرار داد و آن تقسیم‌بندی به سازهای کلاسیک و فلکلریک (مردمی) است. این تقسیم‌بندی در فرهنگ‌هایی کاربرد دارد که هم دارای سنت موسیقی کلاسیک و هم موسیقی فلکلریک شناخته‌شده باشند؛ مثلاً در فرهنگ موسیقی نواحی مختلف ایران، سازهای دهل و نقاره و سرنا (در بسیاری از نواحی)، نی‌انبان و نیز سنج و دمام (بوشهر) و نیز کرنا (از جمله نزد قشقایی‌ها)، لُهو (مازندران)، قَشِمَه و نیز دوتار (خراسان)، تمیره (نوعی دوتار در لرستان)، تویدوک (نوعی نی‌زبان‌دار در ترکمن صحرا) و دوزله (کردستان)، دونلی (بلوچستان)، قوپوز (آذربایجان) جزو سازهای فلکلریک نواحی مختلف ایران هستند که در موسیقی کلاسیک ایران کاربرد ندارند و از دیگر سو سازی مانند سنتور در اجرای موسیقی فلکلریک به کار نمی‌رود (مگر در موارد ابتکاری متأخر). کمانچه را می‌توان مهم‌ترین سازی دانست که هم در موسیقی فلکلریک (در بسیاری مناطق) و هم در موسیقی کلاسیک ایران حضوری مؤثر دارد (← مسعودیه، ۱۳۸۳؛ درویشی ۱۳۸۰ و ۱۳۸۴).

منابع و ماخذ

- ارفع اطرای و محمدرضا درویشی، *سازشناسی ایرانی*، تهران، ۱۳۸۸؛
ابومنصور علی بن احمد اسدی طوسی، *لغت فرس*، چاپ عباس اقبال، ۱۳۱۹؛
حسن کاشانی (؟)، *کنزالتحف*، ن. خ محفوظ در کتابخانه ملی پاریس، مجموعهٔ ش Sp1121؛ همو، *کنزالتحف*، در: *سه رسالهٔ فارسی در موسیقی*، چاپ تقی بیفش، تهران: ۱۳۷۱؛
بابک خضرائی، «مبانی نظری موسیقی دورهٔ سلجوقی، در متون قرون پنجم تا هفتم هجری»، *فصلنامهٔ تاریخ و تمدن اسلامی*، بهار و تابستان ۱۳۹۱؛
محمدرضا درویشی، *دائرةالمعارف سازهای ایران*، در: *جلد*، تهران، ۱۳۸۰ - ۱۳۸۴؛
علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه*، تهران، ۱۳۷۳؛
ضیاءالدین یوسف، *کلیات یوسفی*، چاپ بابک خضرائی، تهران، ۱۳۹۰؛

پی‌نوشت:

- | | | | |
|---------------|-----------|--------------|-------------|
| 1. lithophone | 4. Hulusi | 7. Avanaddha | 10. Tala |
| 2. K'ing | 5. Nataka | 8. Paushkara | 11. Sushira |
| 3. Yu | 6. Tata | 9. Ghana | 12. Vamsha |



علیرضا اعتمادی

تأملی بر ویژگی‌ها و کاربردهای موسیقی

موسیقی طبیعت



نوازنده و خواننده‌ای باشند تا صوت موسیقایی تشکیل شود؟ اگر چه از نظر بسیاری از ما موسیقی فقط تشکیل شده از صدای سازها و یا آوازا و ترکیب آنها و بسیاری از مردم صدای موسیقایی را صدایی می‌دانند که صرفاً آهنگ یا تصنیفی باشد ولی باید متذکر شد که خیلی از اصوات در طبیعت با توجه به رعایت مشخصه های صوت نیز موسیقی هستند و به نام موسیقی طبیعت نامیده میشوند مانند صدای بلبلی که آوازش دارای طنین و رنگ مشخص است و در صدایش هم از زیر و بمی استفاده می‌کند و هم از شدت و ضعف و هم سرعت اصواتی که تولید می‌کند متفاوت است و هم از سکوت در میان اصوات استفاده می‌کند. ولی شاید از نظم دقیق و حساب شده‌ای برخوردار نباشد. تفاوت بین موسیقی طبیعت و موسیقی علمی در همین جا مشخص می‌گردد که موسیقی علمی از نظم و دقت و قوانین خاصی تشکیل شده که از موضوع این مقاله خارج است و مبحث تئوری علمی موسیقی را می‌طلبد ولی موسیقی طبیعت قوانین تعریف شده و خاصی ندارد با این حال هر دو بر ما تأثیر گذارند. همانگونه که به موسیقی علمی و قانونمند نیاز روحی داریم باید از موسیقی طبیعت نیز کمک بگیریم چرا که نیاز فطری ماست.

پیدایش موسیقی



ساخت اولین آلات موسیقی را به هزاران سال پیش نسبت می‌دهند یعنی از زمانی که انسان برای نخستین بار شروع به ساختن لوازمی برای ابراز احساسات خود نمود. از دُم و استخوان حیوانات به عنوان وسیله‌ای شبیه قلم مو برای نقاشی استفاده می‌کرد، با تکه‌های زغال بر روی دیوار طرح می‌کشید و به کشیدن نقاشی و رنگ آمیزی آن داخل غارها اقدام می‌نمود. انسان از همان زمان به ساخت اولین و ابتدایی ترین لوازم تولید صوت و موسیقی مبادرت کرد. البته در اینکه چه سازی ابتدا ساخته شده اختلاف نظر وجود دارد. وسیله‌ای که بر آن می‌کوبیدند و با استفاده از پوست حیوانات ساخته شده بود شبیه به طبل یا وسیله‌ای که در آن می‌دمیدند و از

از نظر فرهنگ لغت موسیقی عبارت است از فن ترکیب اصوات به نحوی که به گوش خوشایند باشد تعریف موسیقی از نظر علمی و تئوری در حوصله و موضوع این مقاله نیست فقط جهت مقدمه‌ای بر وارد شدن به دنیای زیبای موسیقی در تعریف و تشریحی ساده می‌توان گفت موسیقی از اصوات تشکیل شده، اصوات دارای مشخصه‌ها و خصوصیات شامل نواک یا زیر و بمی، قدرت یا شدت و ضعف صدا، دیرند یا مدت زمانی که صوت به گوش میرسد و همچنین طنین و رنگ صدا که در همه عوامل تولید صوت متفاوت است. می‌دانیم صدای همه انسانها با هم از نظر رنگ و جنس صدا تفاوت دارد همین طور صدای همه موجودات و نیز صدای همه سازها، و به خاطر همین تفاوت است که می‌توانیم همه صداها را از یکدیگر تشخیص دهیم مثلاً دوستان و اقوام مختلف را از روی صداهایشان می‌شناسیم. اگر صدایی دارای طنین و شدت و ضعف باشد ولی تشخیص زیر و بمی در آن به طور معمول بسیار سخت و حتی غیر ممکن باشد آن صدا صدای غیر موسیقایی است مانند صدای شکستن شیشه ولی اگر همه مشخصه‌های ذکر شده در صوت قابل تشخیص باشند آن صدا یا صوت صدای موسیقایی است پس یک مشخصه بطور تنها نمی‌تواند تشکیل دهنده صوتی موسیقایی باشد و تشکیل موسیقی مجموعه‌ای از همه مشخصه‌هایی است که برای صوت عنوان شد. البته همانطور که صوت تشکیل دهنده موسیقی است از نظر تئوری علمی موسیقی سکوت نیز از اجزاء تشکیل دهنده موسیقی است ولی نه سکوتی که ممتد و دائمی باشد و هیچ مشخصه‌ای را نشان ندهد بلکه سکوتی که در میان اصوات به شکل منظم و زمان بندی شده به کار گرفته شود. و همین صوت (با خصوصیات کامل) و سکوت ما بین آن تشکیل دهنده موسیقی است. حال که در مورد صوت و تفاوت بین صدای موسیقایی و صدای غیر موسیقایی صحبت کردیم این سؤال پیش می‌آید که آیا حتماً باید

به آن شکل‌های قدیمی متداول نیست ولی هر چه زمان گذشته، جایگاهش و استفاده از تأثیرات خودآگاه و ناخودآگاه آن پر رنگ‌تر شده. اگر باز هم از طبل به عنوان مثال استفاده کنیم می‌بینیم که در چند هزار سال پیش در جنگهای قبیله‌ای استفاده می‌شده، در طول دوران و با پیشرفت در زمان در کشتی‌های پارویی قدیم همراه نواختن طبل، حرکت هماهنگ پاروهای بردگان یا خدمه کشتی استفاده میشده و ضمن آنکه نشان دهنده استفاده از ریتم در هماهنگی و همزمانی حرکت پاروها بوده، از سوی دیگر سایر تأثیرات موسیقی همچون ایجاد هیجان، دور کردن خستگی و سرعت بخشیدن به حرکات را در این کاربرد به نمایش می‌گذاشته است و اکنون نیز از طبل در رژه سربازان و هماهنگی ضربه پاهای آنان استفاده می‌شود. پس موسیقی سیر تکاملی خود را طی کرده و در این راه طولانی همواره وظیفه و نقش خود را در تأثیرگذاری بر روی مخاطب ایفا نموده است.

تأثیر مثبت گوش دادن به موسیقی مورد علاقه



زیبایی دنیای موسیقی نه تنها برای آنان که دستی در آن دارند و در حد توان خود در نواختن و بیان احساسات بر ساز پنجه‌ای می‌زنند و با ساز خود درد دل می‌کنند مشهود و لذت بخش است بلکه برای آنان که تنها شنونده واقعی موسیقی و یا علاقه مند به آن هستند نیز لذایذ و زیباییهای وصف ناپذیری دارد چرا که آنان با گوش فرا دادن به نوای موسیقی دلخواهشان به آرامش روحی و گاه تخلیه و توازن روحی مورد نظر دست پیدا می‌کنند. گاهی موسیقی همچون درمانگری درد روحی انسان را التیام می‌بخشد که در بعضی موارد بسیار حساس و حائز اهمیت است. البته موسیقی درمانی محبت دیگری است در اینجا منظور از نقش درمانی موسیقی همان تعادل روحی یا دست کم احساس رضایتی است که در فرد بعد از گوش دادن به موسیقی مورد علاقه خود پدید می‌آید و این احساس رضایت نوعی انرژی مثبت با خود به همراه دارد. باید توجه داشت نوع موسیقی و زمان گوش دادن به آن در تأثیرپذیری بسیار موثر است به عبارت دیگر تأثیرپذیری موسیقی در شنونده آن بستگی به زمان، مکان و شرایط قرار گرفتن فرد در آن محیط را دارد و بنا به قرار گرفتن در شرایط

خالی کردن استخوان پرنندگان تهیه شده بود و بعدها بر روی آن چند سوراخ نیز ایجاد نمودند شبیه فلوت و همچنین وسیله‌ای که از شاخه و پوست درختان ساخته بودند و به تدریج وسیله‌ای شبیه کمان که یک سر کمان را در دهان خود که به منزله جعبه صوت بود گذاشته و در سر دیگر کمان با چوب همانند مضراب ضربه می‌زدند. در مجموع هر چه که بوده مسلم است با هر یک از این سازها صداهای ابتدایی را در می‌آورده‌اند که مقدمه‌ای بر پیدایش موسیقی بوده. ولی آیا آغاز پیدایش موسیقی همین است؟

نه میلیونها سال بود که طبیعت موسیقی خود را می‌نواخت، حیوانات هر کدام به نوعی تولید صوت می‌کردند. برخی اصوات ملایم و لطیف و برخی دلخراش و رعب آور و وحشتناک و به تدریج پرنندگان مختلف با صداهای زیباتر به این جمع افزوده شدند. اما آیا این آغاز موسیقی طبیعت بود؟

نه، قبل از آن آسمان، بادها، نسیم‌ها، طوفانها، آب‌ها، دریاها موسیقی بی نظم طبیعت را می‌نواختند باز بعضی زیبا و ملایم و بعضی خروشان و ویرانگر همچون آتشفشانها، رعدها، لرزه‌ها. پس پیدایش صوت در این کره خاکی قدمتی بس طولانی دارد. ولی آیا تنها در کره خاکی ما قدمت دارد. یا شایداز میلیاردها سال قبلتر در کهکشانهای دیگر نیز وجود داشته؟

به هر حال صوت هر زمان که به وجود آمده با خود زندگی را به همراه داشته اگر هوا و آب بوده تا موجودات بتوانند زندگی کنند همین ذرات هوا بوده تا صوت را منتقل نماید و همچنین آب که دیگر انتقال دهنده صوت است. پس هستی موجودات نیز با صوت درآمیکته. اگر صوت متوقف شود در واقع هستی متوقف شده است و اگر صوت نباشد طبیعت نیز وجود نخواهد داشت. ولی اگر جهان به گونه‌ای بود که صوت نیاز نداشت و موجودات بدون اکسیژن و آب می‌توانستند زندگی کنند چه می‌شد؟ می‌دانیم چنین چیزی نیز در قدرت پروردگار است. ولی خداوند یکتا آنقدر مهربان بود که صوت را همراه طبیعت و موجودات بیافرید تا نعمت بزرگ دیگری در کنار نعمات و قدرت بی‌کرانش نمودار گردد. و هم او بود که صوت دلنشین را نیز آفرید و سرانجام موسیقی را که یکی از نیازهای فطری و حیاتی انسانهاست.

بالافاصله بعد از زمانی که ابتدایی ترین سازها ساخته شدند، انسانها از آنها برای مهمترین مسائل زندگی خود بهره گرفتند و هر چه گذشت این استفاده و تأثیرپذیری افزونتر شد. هنگام شکار، جنگها، دعاها، از موسیقی استفاده می‌شد. از ابتدایی ترین طبل‌ها برای ترساندن شکار، استفاده در جنگهای قبیله‌ای برای ایجاد خشم و نیز نمای قدرت، آماده و وادار کردن جنگجویان به مبارزه و ایجاد روحیه در آنان و نیز برای نزول باران، صید ماهی، دور کردن ارواح، دعاها اعتقادی، درمان ابتدایی بیماران و غیره استفاده می‌نمودند و هنوز هم با گذشت چند هزار سال بسیاری از قبایل به کاربردهای اولیه موسیقی معتقدند. اگرچه موسیقی دیگر

استرس، افسردگی، غم و غصه و بسیاری از ناهنجاریهای زندگی به او کمک می‌کند. موسیقی به انسان آرامش می‌دهد، خلاقیت می‌دهد، اعتماد به نفس می‌دهد، روحیه می‌دهد، امید می‌دهد، با او همدم می‌شود و تنهائیش را پر می‌کند. اگرچه ارسطو موسیقی را یکی از شعب ریاضی محسوب داشته ولی موسیقی هنر است، هنری که هنرمندان به تمام مسائل و موارد زندگی تأثیر می‌گذارد. هنری که ناخودآگاه آدمی را به خود جذب می‌کند و بالاخره این هنر در جایی مشخص می‌کند که انسان به او نیاز دارد. احتیاجی هم نیست که انسان حتماً هنرمند باشد. مادری که نوزادش را در آغوش گرفته و با نوای دل‌انگیز لالایی وی را به خوابی خوش فرو می‌برد ضمن ایجاد صوتی زیبا برای نوزاد خود، ناخودآگاه و فطری برای او موسیقی آرام بخش ایجاد کرده است. پس موسیقی می‌تواند به ساده‌ترین شکل ممکن ایجاد شود و تأثیرگذار باشد. بررسی‌های همه محققان در سر تاسر کره خاکی آثار مثبت موسیقی بر روح و روان و حتی جسم همه انسانها از نوزادی تا کهنسالی را ثابت می‌کند. حتی آثار موسیقی بر گیاهان و حیوانات را. قصد من باز نمودن و آشکار کردن تأثیرات موسیقی بر بسیاری از موارد زندگی است که شاید خیلی‌ها به آن توجه نکرده باشند و شاید خیلی‌ها هم با علم به آن تأثیرات از آن‌ها بهره نرفته باشند. با کمی دقت می‌توانیم درک کنیم که موسیقی در بیشتر مسائل و مراحل زندگی خواه ناخواه در کنار ماست پس این ما هستیم که باید از این تأثیرات استفاده کنیم و با استفاده از این تأثیرات مثبت زندگی را برای خود شیرین‌تر کنیم. دنیای موسیقی دنیایی است پر از شور، امید، زیبایی، خلاقیت و در یک کلام زندگی. دنیایی که اگر در آن وادی قدم نهاده باشی به اندازه قدم خود بهره‌ای می‌بری. هر یک از ما انسانها در زندگی روزمره خود با فراز و نشیب‌هایی روبرو هستیم و همواره با غمها و شادیها دست و پنجه نرم میکنیم. هر یک از این دو به گونه‌ای خاص ما را تحت تأثیر قرار میدهند و گاه شدت غم و شادی به حدی زیاد است که نیاز به تخلیه روحی پیدا میکنیم.

تخلیه روحی گاهی با تأثیرات منفی و حتی ایجاد ناراحتی در اطرافیان همراه است و اینجاست که باید گفت آنان که در وادی موسیقی جای باز کرده و مفاهیم آنرا درک نموده اند و با ساز تخصصی خود دوست و آشنا هستند میتوانند به تخلیه روحی خود بپردازند یعنی با ساز خود سخن بگویند البته هر کس به حد مهارت و توانایی خویش در نواختن و همچنین میزان برقراری ارتباط فکری و روحی خود با ساز مورد علاقه اش. بله غم و ناراحتی رامیتوان با نواختن ساز بر طرف نمود. همچنین شادی را نیز میتوان با ساز تقسیم کرد و بر هیجان‌ات فائق آمد یکی از خاصیت‌های موسیقی برای کسانی که در دنیای زیبای آن زندگی میکنند این است که در خیلی موارد که حتی نمیتوان با نزدیکترین فرد خود درد دل نمود بهترین شنونده اسرار ساز است و موسیقی و نواختن ساز برترین راه برای تسکین آلام روحی انسان. آنان که با موسیقی آشنا و صمیمی هستند هر آنچه در دل دارند بر روی ساز می‌ریزند.

با زمانهای مختلف نوع موسیقی نیز باید متفاوت باشد به عنوان مثال در هنگام استراحت موسیقی light یا slow یا موسیقی سنتی که از تصنیف یا آوازی ملایم و دلنشین تشکیل شده باشد می‌تواند در فرد ایجاد آرامش و رضایت نماید زمانی هم که فرد در فعالیتهای زندگی روزمره خود به سر می‌برد بنا به قرار گرفتن در شرایط مختلف مثل هنگام رانندگی، سرکار، در منزل و در مجموع بنا به موقعیت هر محیط می‌تواند از موسیقی مناسب و مورد علاقه خود استفاده نماید که ضمن آنکه احساس خستگی و یکنواختی را در فرد از بین میبرد موجب شادی و انرژی و تجدید قوا در او نیز میگردد نه آنکه با گوش دادن به موسیقی نامناسبی که او را در بعضی شرایط عصبی‌تر و خسته‌تر می‌کند هم لذت گوش دادن به موسیقی را کم میکند و هم با گوش دادن به موسیقی نامناسب بنا به شرایط «محیط و زمان» سوهان روحی هم برای خود ایجاد میکند. هنگام ورزش هم باید توجه داشت در ورزشهای پر تحرک مثل دوچرخه سواری سرعتی یا بدن سازی قدرتی، موسیقی پر هیجانی لازم است که از نظر روحی فرد را در تخلیه انرژی یاری کرده و توانایی بیشتری به او برای غلبه بر سختی‌های ورزش ببخشد. برعکس در ورزشهایی که به تمرکز یا تداوم احتیاج دارد موسیقی بسیار ملایم برای ایجاد ارتباط بین ذهن و بدن لازم است. گاهی موسیقی هم برای نوازنده و هم برای شنونده نقش مهمی در توازن روحی دارد. آن زمانی است که در اجرای موسیقی زنده از یکسو توسط نوازنده در شنونده شور و لذت و رضایت ایجاد می‌شود و از سوی دیگر توسط تماشاچی مشتاقی که اکنون به تخلیه روحی رسیده به نوازنده و خواننده انرژی مثبت منتقل می‌گردد و بدین ترتیب او را در اجرای خود موفق‌تر می‌گرداند. اینجاست که باید گفت تأثیر موسیقی دو طرفه بوده و گاهی موسیقی همچون واسطه‌ای پر توان بر نوازنده و شنونده خود تأثیر مثبت و سازنده می‌گذارد.

لزوم استفاده از موسیقی در زندگی



اکنون موسیقی قسمتی از زندگی روزمره ماست، قسمتی از تمایلات درونی ما. بدون اکسیژن جسم انسان دچار مشکل می‌شود و بدون موسیقی روح و روان او، هنگام گوش دادن به موسیقی قسمت‌های خاصی از مغز به شدت تحریک می‌شود مثل «حافظه» و مغز با درک موسیقی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. البته انسان با تمام وجود خود موسیقی را درک می‌کند و موسیقی در انسان انرژی ایجاد می‌کند، خستگی را رفع می‌کند، در کاهش



آمی خدادادی

ویژگی‌های معلم موفق

مهارت‌ها، دانش‌ها و ویژگی‌های یک استاد موفق

چیست؟

تربیت پایه خانواده‌ها در مدارس و بعد از آن در دانشگاه‌ها تکمیل می‌گردد و این امر خطیر بر عهده معلمین و اساتید است در واقع آموزش درست، کلید شکوفا کردن توانایی‌های انسان می‌باشد. در دیدگاه اندیشمندان اسلامی نقش معلم بسیار حائز اهمیت است از این رو ضرورت دارد هر قدر که امکان دارد این افراد مورد احترام و تکریم قرار گیرند و به نیازهای آنان توجه شود چرا که اهمیت و عظمت نقش اساتید و معلمین خوب بر هیچکس پوشیده نیست، با کمی تامل و مطالعه میتوان فهمید که تاریخ، اغلب به دست استادان بزرگی رقم زده شده است.

یک استاد، معلم و مربی موسیقی باید در ابتدا یک پداگوگ باشد. پداگوگ در یونان باستان به معنای راهنمای کودک، و پداگوژی دانش و هنر آموزش دادن است که با دانش روانشناسی همراه است.

پداگوگ موسیقی باید تربیت شده موسیقی باشد، شخصی آموزش دیده و رشد یافته باشد، او باید دانش‌ها و تخصص‌های لازم جهت تدریس موسیقی را به همراه دانش روانشناسی فرا گرفته باشد تا بتواند اضطراب و استرس را از هنرجویان دور کند و آنها را به موسیقی علاقمند کند نه اینکه با تند خویی و رفتار ناشایست آنها را تحقیر و از موسیقی دور کند.

باید بتواند استعدادهای آنها را کشف و با توجه به توانایی‌ها و روحیه‌ی هنرجویان راهکارهای مناسبی برای هدایت آنها در پیش بگیرد و به سمت هنر والای موسیقی و در جهت آموزشی درست راهنمایی کند.

ویژگی‌های یک استاد، معلم و مربی

ویژگیهای علمی:

احاطه‌ی علمی لازم بر مطالب درسی، ارائه کتاب‌ها و مطالب جدید و به روز بودن مطالب ارائه شده، تجربه‌های لازم حین تدریس، تکراری نبودن و جذاب بودن مطالب، مطالعه از قبیل مطالب.

ویژگیهای اخلاقی:

حس مهربانی و همدردی با هنرجویان، خوش خلقی و بردباری، عشق به کار خود، تشویق کردن، ارتباط نزدیک و رازداری با دانشجویان.

دو ویژگی علمی و اخلاقی نقش بسیار مهمی در تدریس اساتید



خواهند داشت، همچنین باید شرایط تدریس را دارا باشند و علاوه بر صلاحیت تدریس، صلاحیت‌های روحی روانی را نیز دارا باشند و خود را تافته جدا بافته ندانند چرا که عضوی از جامعه هستند.

نباید از موقعیت‌هایی که بر سر راه حرفه‌ای شان قرار می‌گیرد برای امیال و اهداف شخصی خود استفاده نمایند. اساتید الگوی هنرآموزان هستند، بنابراین آنها نمیتوانند و نباید به اصول اخلاقی خویش بی‌تفاوت باشند، چرا که اخلاق و عملکرد معلمین در فرایند آموزش تأثیر بسیار زیادی بر شاگردان خواهد گذاشت.

اگر آنها ویژگی‌های لازم را نداشته باشند و رسالتشان را به عنوان راهنما به خوبی ایفا نکنند ضربه‌های سهمگین و آسیب‌های روانی جبران ناپذیری بر هنرجویان وارد خواهند آورد. همانطور که گفتیم معلم‌ها نقشی اساسی و مهم در رشد همه جانبه هنرجویان بر عهده دارند باید درست اندیشیدن را به آنها یاد دهند، عزت نفس شان را بالا برده و به سوی مستقل شدن، تفکر انتقادی و نشاط علمی سوق داده تا بتوانند قوه تخیلشان را بکار گیرند و هنرجویان شایسته‌ای بار بیابند و در زمینه‌های مختلفی پیشرفت نمایند.

یک استاد نمونه به نقش خود کاملاً واقف است و به درستی به آن عمل می‌کند. او به عنوان یه راهنما میداند که باید به درستی مطالب را به افراد یاد دهد،

و با تلاش و پشتکار و با توجه به تجربیات کاری شان مهارت‌ها، تخصص‌ها و دانش‌های لازم را در زمینه روان‌شناسی و تعلیم و

هر هنرجو توانایی‌های جداگانه‌ای دارد و در سنین مختلف یادگیری قدم می‌گذارند پس نباید با تمام هنر جوان فقط یک کتاب مشخص کار کرد باید کتاب بزرگسالان با کودکان فرق داشته باشد. پداگوژی یک علم است و یک استاد موفق باید با این علم آشنایی داشته باشد و مدام اطلاعات خود را به روز کند و توانایی‌های خود را بالا ببرد تا بتواند شاگردان خوبی به جامعه تحویل دهد. رفتار، کردار و عملکرد یک استاد بسیار مهم است و تاثیر به سزایی در رشد هنر آموزان خواهد داشت زیرا یک استاد مغرور، بخیل، کم سواد به طبع همین خصیای را به شاگردان خود یاد خواهد داد و به همین منوال نسل به نسل این رویه ادامه خواهد داشت و نه تنها برای هیچ یک مفید نیست بلکه جامعه و فرهنگ را نیز به ورطه نابودی خواهد کشاند.

آیا شما استاد موفق هستید؟ خود را به عنوان یک استاد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ نتیجه گیری

نقش اساتید بر انگیزه تحصیلی بسیار مهم است و ارایه یک روش تدریس مناسب توسط استاد یک عامل مهم در افزایش انگیزه است برخورد صمیمانه اساتید با دانشجو، ظاهر آراسته، شوخ طبعی و روحیه خوب استاد، انتقادپذیری، کنترل مدیریت کلاس و قاطعیت در کلاس، باعث افزایش انگیزه تحصیلی و یادگیری بهتر می‌شود. تسلط علمی استاد، ارایه مطالب جالب و کاربردی، علاقه اساتید به رشته علمی خود، داشتن اطلاعات مناسب و تشویق و تحریک دانشجویان از جمله ویژگی‌های مهم یک استاد موفق می‌باشد. اگر اساتید بار علمی خود را بالا ببرند و قبل از تدریس خودشان نیز مدتی به عنوان کارآموز نزد اساتید برتر شاگردی نمایند تا هم اصول و روش‌های تدریس و نحوه برخورد با هنرجویان مختلف را یاد بگیرند و هم مهارت‌های خود را بیشتر بشناسند و آنها را ارتقا دهند.

بدانیم که، سابقه تدریس به تنهایی نقشی مهم در فرآیند یادگیری و یاددهی بازی نمی‌کند بلکه شیوه ارایه مطالب باعث علاقمندی دانشجویان میگردد. آنها هم میتوانند با ارائه مطالب درست و چگونگی بیان آنها، استعداد، خلاقیت، تفکر، سواد علمی و انگیزه را در هنرجویان و دانشجویان بالا ببرند و هم در نقطه خفه کنند. و آنها را به نابودی و یاس بکشاند.

تربیت و مهارت‌های تدریس به دست آورد تا بتواند وظایف خود را به خوبی ایفا کند

بهتر است خود را محدود به جامعه شان نکنند و با دیدی وسیع و به طور مستمر خود را با آموزش‌های نوین و جدید در دنیا وفق دهند و به دنبال یادگیری و پژوهش باشند. یک استاد موفق، دانشجویان را متناسب با میزان تلاش و پیشرفت‌شان تشویق میکند نه آنکه در آنان غرور بیجا ایجاد نماید و یا مستخره و تحقیر کند.

آیا هر نوازنده‌ای شرایط تدریس را خواهد داشت؟

زمانی که از تدریس سخن به میان می‌آید تفکر عام گونه برایین اساس است که معلمی کاری بسیار آسان است و هر کسی میتواند به درس دادن مشغول شود.

اگر بخواهیم با تفکر علمی به قضیه نگاه کنیم متوجه می‌شویم که تدریس موسیقی روندی بسیار پیچیده میباشد و نه تنها امر ساده‌ای نیست بلکه اساتید با متغیرهای متفاوتی سرو کار خواهند داشت. در فرآیند تدریس دیدگاه علمی معلم و تجارب وی نقش به سزایی را ایفا می‌کند اما آن چه مهم‌تر است کل شخصیت معلم است که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگردان تاثیرگذار است. اگر معلم از نظریه‌های تدریس یادگیری شناخت دقیق و علمی داشته باشد، قوی‌تر و دقیق‌تر می‌تواند در ایجاد وضعیت مطلوب یادگیری فعالیت کند معلم باید با هنرجوی خود ارتباط خوبی برقرار کند قدرت آنالیز قطعات موسیقی را داشته باشد، اطلاعات علمی خود را بالا برد و به روز کند از این رو نوازندگان باید بدانند که مقوله تدریس و معلمی امری فراتر از نوازندگی است و هر نوازنده خوبی الزاما مدرس خوبی نخواهد شد. اجرا کردن چندین قطعه، کتاب و یا برنده شدن در رقابت‌های موسیقی صرفاً به این معنا نیست که افراد به خود اجازه دهند وارد حیطه مقدس تدریس شوند زیرا مقوله نوازندگی از تدریس جداست و هر کس صلاحیت تدریس را ندارد.

برای وارد شدن به حوزه تدریس افراد باید شرایط تدریس را داشته باشند. دروس مختلف موسیقی را علاوه بر نوازندگی و تدریس یاد بگیرند همچنین در زمینه‌های مختلفی نظیر جامعه شناسی، روان شناسی، فلسفه، هنر و علوم مختلف دیگر اطلاعات کافی داشته باشند تا بتوانند با هنرجویان خود ارتباط برقرار کنند و هنرجویان خوبی تربیت کنند و در مسیر یک استاد موفق گام بردارند.

فهرست منابع

- عابدینی، کمال زاده حمید، آقامولایی، دیدگاه دانشجویان پزشکی در مورد معیارهای یک استاد دانشگاه خوب، بندرعباس، ایران. مجله دوماهنامه دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان ۱۳۸۹
- سیامیان، غفاری، علی گل بندی، نشاد، شریفی، شهرابی، خصوصیات یک استاد خوب دانشگاه از نظر دانشجویان. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران ۱۳۹۲
- حاجی آقاجانی س. مقایسه و بررسی دیدگاه معلمان و دانش آموزان درباره موارد یک معلم خوب، طب و تزکیه ۱۳۸۰
- کیافر م س، کارشکی ح، هاشمی اف. نقش مولفه‌های امید و خوش بینی در انگیزه تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد. مجله آموزش پزشکی ایران ۱۳۹۳
- آجاریا، جووشی، تاثیر آموزش والدین بر انگیزش پیشرفت نوجوانان. مجله هند

تحقیقات علوم اجتماعی، ۱۳۸۸

۶. کاوه م.ج. انگیزه و یادگیری، کارآموزی در آموزش پزشکی. ۱۳۸۹

۷. صدرزاده، طالبی ح، عابدی ا. مقیاسی برای سنجش انگیزه دانشجویان دانشگاه اصفهان در مورد نظریه تعیین خود بسازید و اعتبار سنجی کنید رویکردهای جدید آموزشی. ۱۳۹۱

۸. احمدی م، خاتمی ح، اسنزه ح. تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی زنجان. تحقیق در روانشناسی اجتماعی ۱۳۹۱

۹. میاشتری، خسردی، تاحی، طاهری، مردانپور، ویزی‌های یک معلم خوب از نظر دانشجویان دانشکده بهداشت در دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد. تحقیق در آموزش پزشکی. ۱۳۹۰

۱۰. روحی، حسینی، عبدالمحمد تی، رحمانی ح. انگیزه آموزشی و ارتباط آن با برخی از عوامل در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان. ۱۳۸۷

تدریس موسیقی، نیازمند بازنگری و توجه

برگزار می‌گردد تا خللی در امر صدور کارت صلاحیت تدریس خانه موسیقی ایجاد نگردد. در همین راستا بر آن شدیم تا مانند شماره‌های پیشین نظر برخی از استادانی که در ماه‌های اخیر در آزمون صلاحیت تدریس با خانه موسیقی همکاری بودند را جویا شویم. در شماره‌های بعدی فصلنامه از نظر دیگر استادانی که مجال صحبت با آنان فراهم نشد نیز استفاده خواهیم کرد.

آزمون صلاحیت تدریس از سال گذشته توسط خانه موسیقی ایران برگزار می‌شود. بهره‌گیری از چندین استاد مجرب که سال‌ها نه تنها در حوزه اجرا که در حوزه تدریس موسیقی فعالیت داشته و با زوایای مختلف امر تدریس موسیقی به عنوان یکی از پیچیده‌ترین فعالیت‌های موسیقی آشنا هستند، منجر به پربار شدن این آزمون‌ها شده است همزمان با شیوع ویروس کرونا این آزمون‌ها بطور مستمر و بصورت آنلاین

... تدریس می‌شود اما رشته‌ای مختص آموزش موسیقی وجود ندارد.

بله! اساساً در حوزه آکادمیک، دانشگاهی و حتی پایین‌تر از دانشگاه باید گرایش مختص آموزش موسیقی وجود داشته باشد. کما اینکه در دانشگاه‌های موسیقی دیگر کشورها رشته‌هایی داریم که بطور تخصصی فقط روی نوازندگی برای ارکستر متمرکز هستند. افرادی که در این رشته‌های تحصیل می‌کنند دشیفرهای عالی دارند ولی قرار هم نیست سولیست‌های خوبی باشند. ممکن هم هست یک سولیست نتواند کار این افراد را انجام دهد. اینها همه تقسیم بندی‌هایی است که در کار هنر موسیقی وجود دارد ولی متأسفانه در ایران این مساله را نداریم.

یک ویرتوز (سولیست و تکنواز) باید تکلیفش معلوم باشد که خلاقیت در لحظه دارد ولی یک نوازنده وظیفه اش این است که درست در ارکستر دشیفر را کند. حتی در مورد کار آموزش در همه جای دنیا رشته‌هایی تحت نام‌های آموزش، EPG و... وجود دارد که به صورت تخصصی در این زمینه کار می‌شود.

*** آیا به نظر شما هر نوازنده خوبی معلم یا مدرس خوبی هم هست؟

به هیچ عنوان؛ ما بسیاری از سبک‌ها و مکتب‌ها را در موسیقی داریم که اساس پایه‌گذاری این مکاتب بر اساس خلاقیت در لحظه‌ی فردی است و آموزش نزد آن اساتید هم بسیار سخت بود. البته من بیشتر از چند جلسه افتخار نداشتم نزد استاد عبادی تلمذ کنم، اما امثال استاد عبادی اصلاً مساله شان آموزش موسیقی به این شکل نبود چون نوازنده، ویرتوز و تکنواز بودند کسی اگر مکتب آنها را درک می‌کرد می‌توانست نزدشان برود و می‌گفتند همین را باید بنوازی. قرار هم نبود که او بهترین معلم روزگار بشود. استاد

مسعود شعاری: رشته مختص آموزش موسیقی در دانشگاه‌ها وجود ندارد

*** شما چند جلسه در آزمون‌های صلاحیت تدریس شرکت

داشتید و بسیاری از مدرسان متقاضی کارت صلاحیت تدریس را مورد آزمون قرار دادید. نظر کلی خود را در مورد مساله آموزش موسیقی ایرانی بفرمایید.



مساله آموزش موسیقی دستگاهی و موسیقی اصیل بسیار تخصصی است و در واقع پایه‌های فرهنگی مملکت امروز

ساخته می‌شود و نسل بعد و نسل فردا بر بستری که امروزه زیر بنای آن چیده می‌شود حرکت خواهند کرد و با کوچکترین غفلت می‌توان فردایی عاری از بنیاد درست را رقم زد. متأسفانه در این زمینه بخش زیادی از عزیزی که به کار آموزش مشغول هستند به صورت تخصصی به این امر نگاه نمی‌کنند در صورتی که همه اینها مبانی علمی دارند و می‌توان به شکل صحیح تری به این امر پردازند. آموزش موسیقی هیچ ارتباطی به اینکه چه سبک و سیاقی را در نوازندگی می‌پسندیم ندارد و برای خود مبانی علمی و آموزشی مشخص دارد. در این زمینه یکی از اشکالات بزرگ این است که در دانشگاه‌ها رشته مختص آموزش موسیقی وجود ندارد در صورتی که یکی از این گرایش‌ها در رشته تخصصی می‌تواند تعلیم مربی باشد. *** در برخی رشته‌های دانشگاهی آموزش بصورت مجزا تعریف شده که در آن متدهای آموزشی، روانشناسی و ... که مرتبط با آموزش است تدریس می‌شود. اما ظاهراً در دانشکده‌های موسیقی کشور نوازندگی و آهنگسازی و

نتوانستیم اینها را جا بیاندازیم. ما نیاز به یکسان سازی بسیاری از مسائل علمی مان داریم. البته من فقط در مورد موسیقی کلاسیک ایرانی صحبت می‌کنم چون در اینجا بیش از ۲۵۰ یا ۳۰۰ سال قدمت راجع به موسیقی دستگاهی نمی‌توانیم چیزی ببینیم. بصورت سینه به سینه جلو آمده و در این نیم قرن اخیر است که این را کمی شکافته‌اند و چیزهای جدیدی در موردش کشف می‌کنند که تازه به عنوان تجربیات مطرح می‌شود. اما هر یک از آنها قوانین مخصوص خودش را دارد که توسط استادان و یک کارگروه مجرب باید اینها یکسان سازی شود.

اینها نباید با موسیقی غرب هم قاطی شود زیرا ما یکسری مسائل مخصوص موسیقی خودمان را داریم که الزاما با دانستن تئوری موسیقی غرب نمی‌توانیم آنها را حل کنیم. باید بتوانیم قوانین موسیقی خودمان را با زبان موسیقی خودمان بیان کنیم که هنوز در این ترجمان مانده ایم. کما اینکه در دوران علی نقی وزیر ایشان تلاش بسیار کرد با تئوری موسیقی غرب موسیقی ایرانی را بشکافد و بعد از ایشان دکتر هرمز فرهت تلاش‌هایی کرد و خیلی‌ها نزدیک شدند به اینکه با زبان خاص موسیقی ایران زمین بتوانند این شکافته بشود. در اینجا نمی‌شود با زبان موسیقی غرب موسیقی ایرانی را شکافت.

برای همین است که می‌گویم باید یکسان سازی بشود. تازه به سمت تئوریزه شدن می‌رویم ولی باید با اهمیت ویژه در هنرستان‌ها، دانشگاه‌ها و تمامی مراکز و آموزشگاه‌ها درست درس داده شود و به شرح و بسط موسیقی دستگاهی پرداخته شود تا بعدها پایه‌های خلاقیت و بداهه نوازی بتواند شکل بگیرد.

***همانطور که خودتان به عنوان عضوی از هیئت مدیره خانه موسیقی در جریان امور هستید، بعد از یک**

وقفه طولانی آزمون‌های صلاحیت تدریس مدرسان موسیقی سراسر کشور با همکاری وزارت ارشاد به خانه موسیقی سپرده شد. امروز می‌بینیم بسیاری از افرادی که در آزمون‌ها مشروط و یا مردود می‌شود پیش از این در آموزشگاه‌ها تدریس می‌کردند و تا روزی که عدم صلاحیت به آنها اعلام نشود تدریس می‌کنند. در این مورد چه نظری دارید و چقدر این آزمون‌ها را موثر می‌دانید؟

باید عامل زمان را هم در نظر بگیریم. هیچ چیز به یکباره اتفاق نمی‌افتد. وقتی پروسه نظارت، پروسه فراگیری و اصلا وجود فرهنگ فراگیری علم آموزش مطرح می‌شود، زمان لازم دارد تا اینکه جا بیفتد. الان فعلا در مرحل بسط سازی هستیم و دارد این اتفاق می‌افتد که معلمان آگاه شوند که ارگانی متشکل از موزیسین‌ها و متخصصین مختلف وجود دارد که باید آموزش را نزد آنها یاد

عبادی برای خودش وزنه و صاحب سبک و مکتب است ولی استاد ابوالحسن صبا هم صاحب مکتب بود هم اینکه یکی از بهترین معلم‌های روزگار بودند. بنابراین هر نوازنده خوبی الزاما نمی‌تواند معلم خوبی هم باشد. انتقال و تدریس دغدغه بسیاری از استادان بود و برخی هم دغدغه‌ای در این زمینه نداشتند.

***امروزه هر کسی که به درجه ای از توانایی در نوازندگی می‌رسد و یا اینکه گمان می‌کند رسیده است به بحث آموزش روی می‌آورد. دلیل اش هم این است که بسیاری از کسانی که تحصیلات یا شغلشان موسیقی است هیچ درآمدی جز تدریس ندارند. شما اگر بخواهید نگاهی آسیب شناسانه داشته باشید بیشترین ضربه از کجا به آموزش موسیقی در کشور وارد می‌شود؟**

یکی از مهمترین‌ها محیط‌هایی مانند دانشگاه و هنرستان‌های موسیقی هستند. چون باید در ابتدا در هنرستان موضوع آموزش موسیقی مطرح شود تا در دانشگاه پی گرفته شود.

یکی دیگر هم نظارت کلی ای بوده که باید خیلی زودتر از اینها روی آموزش موسیقی انجام می‌شد. شاید در گذشته نگاه به آموزش



موسیقی سنتی در کشور به این گستردگی نبود. باید مباحث روز را هم در این موارد دخیل دانست، مثلا در شبکه‌های اجتماعی من بارها دیده‌ام که آموزش‌های بسیار غلط دارد اتفاق می‌افتد و اگر از آنها سوالی بکنید می‌بینید هیچ مرجعی برای گفتن ندارند. مرجع در کار آموزشی ما شکل نمی‌گیرد. مقصودم از مرجع کتب آموزشی درست است.

***این مرجع را چه کسی باید تدوین کند که مورد قبول همه جامعه موسیقی قرار بگیرد؟ آیا یک سیلابس درسی در دانشگاه‌ها است یا نهادهای مانند خانه موسیقی باید این مرجع را معرفی کند؟**

در خانه موسیقی خوشبختانه این موضوع مطرح شد و من هم جزو کسانی بودم که آن را مطرح کردم. صحبت‌هایی انجام گرفت و امیدوارم که این ماجرا به سرانجامی برسانیم. در دانشگاه‌ها متأسفانه

بیان می‌کنند. اما این یک علم است که هر موضوع تفسیر علمی خودش را دارد. بطور مثال در بحث فرق بین چهارمضرب و رنگ، یا اینکه اساس فلان گوشه چه چیزی است؛ بسیاری تصویرهای شخصی خودشان را می‌گویند ولی این یک زیر بنای علمی دارد که مثلا گوشه‌ی داد در دستگاه ماهر توقف اش روی فلان نت است که باعث می‌شود گوشه‌ی داد ساخته شود یا اینکه بین رنگ و چهارمضرب فرق‌های مشخصی در ریتم و نوع چیدمان آنها از لحاظ علمی وجود دارد.

در بسیاری از مسائل فنی و مهم موسیقی این اتفاق افتاده است که در همه سطوح تعابیر، تفاسیر و تصورات شخصی ارائه می‌شود. این مورد قبول نیست ما باید موسیقی را به جایی ببریم که همه واژگان و هر آنچه‌ی که درون آن وجود دارد تعبیر زیربنایی و علمی و البته کاربردی داشته باشد تا همه جوانان از آنها استفاده کنند. ولی می‌بینم بیشتر جوانان اصلا مساله شان اینها نیست و بیشتر سلیقه شخصی شان را اعمال می‌کنند بدون اینکه تجربه کافی داشته باشند.

*** برخی از مدرسان سعی می‌کنند ردیف را از آن چیزی که در روایات معتبر وجود دارد، به تعبیری آسان تر کنند و به هنرجویان درس دهند. در این مورد چه نظری دارید؟**

برای بسیاری از آدم‌ها در این دوره سهل الوصول بودن همه چیز مطرح است و دوست دارند سریع به چیزی دست پیدا کنند. در صورتی که برخی مسائل هست که هر کاری بکنند امکان پذیر نیست و گذشت زمان آن را پخته می‌کند. شجریان، لطفی یا امیرخانی از گذر زمان رد شدند تا به این جایگاه رسیده اند. بهترین راه این است که متن اصلی مان را داشته باشیم و از آن دور نشویم و هنر یاد دادن آن را یاد بگیریم. نمی‌توانیم به متن اصلی دست بزنیم زیرا همین دست بردن هاست که در طی زمان باعث می‌شود ریشه درختی تنومند را از جا در بیاوریم و آن را سست کنیم. باز بحث آموزش است که باید یاد بگیریم چطور همان متن اصلی را یاد بگیریم و این آموزش را بتوانیم با مبانی درست و روش درست پیش ببریم.

سیامک جهانگیری: برگزاری ورکشاپ می‌تواند برای بهبود آموزش موثر باشد



سیامک جهانگیری (نوازنده و مدرس نی) پیرامون وضعیت افراد متقاضی کارت صلاحیت تدریس گفت: در مورد متقاضیان با دو دسته از افراد مواجه بودیم. اول گروهی که تحصیلات موسیقایی داشتند و به واسطه این تحصیلات با موارد آموزشی یا اصول و کتب آموزشی آشنا تر بودند و به دلیل اینکه

دوره‌های تخصصی تر هم دیده بودند بیشتر با موضوع آموزش و اینکه باید مسیر آموزشی یک هنرجوی مبتدی تا دوره متوسطه و بعضا عالی را می‌دانستند که چطور و با چه کنبی باید پیش ببرند. در خصوص مساله آموزش ساز از نظر اכול دست گرفتن ساز (سازهای

بگیرند. آنهایی که مشروط و یا حتی مردود می‌شوند کاملا معلوم است اشکالاتشان کجاست بنابراین من فکر می‌کنم باید تمهیداتی مانند مستر کلاس‌ها اندیشیده شود تا بتوانند یاد بگیرند و نقاط ضعف خود را رفع کنند.

اینکه امتحان‌ها در خانه موسیقی انجام می‌شود هم واقعا چه جایی بهتر از اینجا که همه متخصصان موسیقی اینجا دور هم جمع می‌شوند و چه بهتر در خانه موسیقی این اتفاق می‌افتد.

*** آیا مدرسان جوان برای یادگیری و فراگیری متدهای**



آموزشی احساس نیاز می‌کنند؟

معلم‌های جوان ما باید احساس کنند که روش آموزش را هم فرا بگیرند؛ باید نزد معلم‌های برجسته بروند و این کار را یاد بگیرند. زیرا آموزش یک علم مخصوص خودش و مساله ای جداگانه است و باید بستر علمی اش برای فرد فراهم شود. جوانان باید این مساله را برای خودشان یک ضرورت بدانند.

اگر اینجا صحبت از مرجع می‌کنیم باید طوری بشود که استادان و موزیسین‌های ما همه بتوانند کاری کنند که کتاب‌های مرجع و منابعی که درست باشد را در اختیار جوانان قرار دهند. این ضعف موسیقی ما است که دارای چند تئوری و چند برداشتی هستیم.

*** حتی پس از این سالها در نسل‌های جدیدتر می‌بینیم هر کسی یک ردیف با روایت خودش منتشر می‌کند یا می‌نوازد. که در حالی که ردیف سازی همان میرزا عبدالله و میرزا حسینقلی است.**

هنوز در تجزیه و تحلیل ردیف‌هایی که از خاندان آقاعلی اکبر فراهانی به دست ما رسیده است، مانده ایم. بهتر است ما اول نسخه اصلی کتاب حافظ را باز کنیم و ببینیم اصل غزل چه بوده تا بعدا بتوانیم چیز جدیدی بیاوریم. قطعا «نیما» اول حافظ را تجربه کرده که توانسته شعر نو بگوید. بنابراین ما هنوز با آن چیزی که از قدیم مانده است کار داریم. ما ردیف میرزا حسینقلی و میرزا عبدالله و روایت‌های دیگر داریم، اما می‌بینیم اینها ریشه‌های مشترکی دارند که اول بهتر است این ریشه‌ها را بشناسیم و بعد بتوانیم تعابیر علمی مان را یکسان کنیم. اگر اسم نت «ایست» و شاهد می‌آوریم نباید چند برداشت داشته باشیم.

مساله خیلی مهمی را باید بگویم؛ ما در آزمون‌های مختلف ام از دانشگاه یا همین آزمون صلاحیت تدریس می‌بینیم که اهالی موسیقی برداشت‌ها و تصورات خودشان را از موضوعات مختلف



در مورد دادن مجوز تدریس به مدرسین دارای صلاحیت و دقت عمل داوران بدون شک بهترین راهکار جهت کنترل مدرسین آموزشگاه‌های موسیقی بوده و خواهد بود. با تجربه ای که طی سال‌های متمادی در زمینه آموزش موسیقی در آموزشگاه دارم مواردی را مشاهده می‌کنم که متأسفانه

در بعضی از آموزشگاه‌ها مسئله آموزش صحیح و آکادمیک انجام نمی‌شود و مدرسین بسیار در آموزش کوتاهی می‌کنند و توجهی به پیشرفت شاگرد ندارند.

اکبر محمدی: باید رشته دانشگاهی تدریس موسیقی دایر شود

اکبر محمدی، نوازنده و مدرس کلارینت و یکی دیگر از داوران آزمون‌های صلاحیت تدریس در خصوص وضعیت تدریس موسیقی در کشور گفت: وضعیت نابسامان و مدیریت نشده علیرغم تحصیلات دانشگاهی



بصورتی است که حتی علاقه ذاتی در حوزه تدریس مشاهده نمی‌شود. بدین معنی که مدرسان در صورت فراگیری صحیح، آموخته‌های خودشان را هم نمی‌توانند به هنرجو منتقل کنند.

وی افزود: در تمام کشورها رشته ای به

نام معلمی یا تدریس در سطح دانشگاهی دایر است که می‌تواند تا حدود زیادی این نقص را برطرف کند ولی در ایران این رشته وجود ندارد. مدرسان جوان باید این تجربه را با طی کردن مدت معینی یا حتی چند ترم زیر نظر اساتید مطرح و شاخص در زمینه کاری خود بدست آورند.

اکبر محمدی در خصوص راهکارهایی برای بهبود وضعیت مدرسان گفت: برای بهبود وضعیت مدرسان باید توسط متولیان امر در مراکز دانشگاهی، تدریس موسیقی بصورت رشته ای جداگانه بوجود بیاید. مدرسان هم قبل از آزمون‌ها باید تاییدیه گذراندن دوره‌های آموزشی را کسب کنند و سپس به آزمون‌ها معرفی شوند. وی در خصوص نقش خانه موسیقی در برگزاری آزمون‌های صلاحیت تدریس مدرسان موسیقی گفت: خانه موسیقی به عنوان متولی این آزمون‌ها می‌تواند قدم اول را در پیشبرد این امر مهم بر عهده گیرد.

شروین مهاجر: وضعیت تدریس موسیقی بسیار نابسامان و غیر اصولی است

شروین مهاجر، نوازنده و مدرس کمانچه پیرامون وضعیت مدرسان و تدریس در کشور گفت: اوضاع تدریس و آموزش موسیقی در کشور به طور کلی از حدود سال ۱۳۸۰ تا به امروز بسیار نابسامان و غیر اصولی شده و این مشکل دلایل زیادی دارد که

بادی که مورد داوری من بود) بعضاً شیوه تولید صدا، تنفس و آشنایی با موضوعیت اینچنینی برای دسته اول مشخص‌تر بود.

وی افزود: اما دسته دوم که اکثر موارد را شامل می‌شد ما با افرادی مواجه بودیم که تحصیلات غیر مرتبط با موسیقی داشتند و یا صرفاً دوره کوتاه آموزشی دیده بودند که میخواستند شروع به آموزش کنند. در این شرایط اصولاً با موضوع آموزش آشنا نبودند، تجربه آموزش نداشتند، کتب آموزشی مربوط به ساز را نمی‌شناختند و مسیر و چگونگی نحوه برخورد و مواجهه هنرجو با مسیر آموزش را خیلی خوب نمی‌دانستند. طبیعتاً در اینجا می‌تواند مساله آموزش مشکل ساز باشد برای اینکه بسیاری نگاهشان این بود که می‌خواهند هنرجوی مبتدی را درس بدهند در صورتی که هنر جوی مبتدی باید در شروع کار با مبانی به شکل درستی روبرو شود و به شکل جدی‌تر و با اکول درست مواجه شود.

جهانگیری در خصوص راهکاری بری بهبود وضعیت آموزش نیز گفت: فکر می‌کنم جلسات تخصصی از طریق پیشکسوتانی که تحصیلات آکادمیک موسیقی دارند باید صورت بگیرد تا موضوعات آموزش موسیقی را بروز کنیم و ببینیم چه راهکارهایی برای همسان سازی و استاندارد سازی مساله آموزش در آموزشگاه‌ها و حتی در دانشگاه و هنرستان‌ها می‌تواند اتفاق بیافتند.

این مدرس و نوازنده نی در ادامه در باره نقش خانه موسیقی در برگزاری آزمون‌های صلاحیت تدریس گفت: بنظر من کاری که خانه موسیقی انجام می‌دهد بسیار خوب است از این لحاظ که یک بررسی از کم و کیف افرادی که در حال تدریس بخصوص در شهرستان‌ها هستند انجام بشود و این می‌تواند بسیار مثبت باشد. اما اگر ما معتقد به این هستیم که آموزش در شهرستان‌ها ممکن است دچار نقصان باشد، باید برای آن راهکارهایی بگذاریم. جلسات، ورکشاپ‌ها و سمینارهایی که چاره ساز باشند و اگر اشکالاتی هست زمینه آن را بشناسند.

سیامک جهانگیری در پایان گفت: قطعاً با توجه به حجم هنرجوهایی که وجود دارد و خوشبختانه هر ساله بیشتر نیز می‌شود و امکان اینکه در همه شهرستان‌ها متخصص آموزش وجود داشته باشد، نیست. اما از دوستانی که فعالیت می‌کنند می‌توان استفاده کرد، منوط بر اینکه با یک تعریف مشخص، باز کردن موضوع آموزش، با معرفی کتاب‌هایی که می‌تواند کارساز باشد، یکی کردن موضوعاتی که به شکل بنیادی باید برای آموزش در نظر گرفته شود، از طریق خانه موسیقی می‌تواند این اتفاق بیافتد و با جلسات این چنینی، اگر انتقادی به نحوه آموزش می‌شود برای آن راهکارهایی گذاشته شود.

همایون رحیمیان: در برخی آموزشگاه‌ها مسئله آموزش صحیح و آکادمیک انجام نمی‌شود

همایون رحیمیان، نوازنده و مدرس پیشکسوت ویولن در خصوص وضعیت آزمون‌های صلاحیت تدریس به اظهار نظری کوتاه بسنده کرد و گفتگوی مفصل‌تر را برای مجالی دیگر باقی گذاشت. همایون رحیمیان گفت: با توجه به نظارت خانه موسیقی



باقی مانده اقدامات محترم بوده اما کافی نیست چرا که صدای هنرمندان و مطالباتشان یکدست و همدل نبوده. در دوران کرونا شدیدترین آسیبها به هنرآموزان وارد شده و همین طور باید نظارتی بر فضا مجازی باشد و روشنگری گردد به جهت تشخیص سره از ناسره.

این مدرس و نوازنده کمانچه در خصوص نقش خانه موسیقی به عنوان مجری برگزاری آزمونهای صلاحیت تدریس گفت: گرچه دیر اما حرکت بسیار خوبی آغاز شده و نقش خانه موسیقی زمانی مشخص می شود که شاهد تداوم این طرح و اقدامات عملی و نتایج آن باشیم و در این مهم تعجیل شود و زیادی کش پیدا نکند و همه سلیقهها را در بر گیرد و در زمینه صلاحیت تدریس بهتر بود به متقاضیان بر طبق میزان آشنایی آنها بر شرح درسی خاص، مدرکی با ذکر رپرتوار تخصصی خاص داده میشد نه این که صلاحیت کلی تدریس را فقط چک کنیم. مثلا ذکر میشد صلاحیت این هنرآموز فقط برای این دورهها و کتب مشخص بلامانع است و به جای این که تمرکز کل مراکز آموزشی و رویدادهای هنری کشور اعم از هنرستان، دانشگاه، آموزشگاه و جشنوارهها روی مثلا حفظ کورکورانه و بدون درک عمق ردیفها باشد اول مشخص میشد چه ردیفهایی با کدام روایت خاص مورد تایید است و همین طور رپرتوار به شکل کلی شامل فرم موسیقی ایرانی، ردیف، قطعات ضربی و اتودها با ذکر کوک مشخص و تفکیک می شد.

وی افزود: همان طور که بارها در نشستها و مصاحبهها عرض کردم تمرکز و اصرار بر اجرا ردیف فقط میرزا عبدالله که برای تار و سه تار نت نویسی و جمع آوری شده برای نوازندگان کمانچه و نی باعث تنفر و انزجار هنرجویان از مقوله ردیف و برخورد شب امتحانی شده چرا که این اصرار از روی اجبار بدون درک و تحلیل و تفسیر ردیف و شفاف کردن محتوا و نغمات زیبای درون مایه آن بدون نت نویسی صحیح و اجرا درست و آموزش بدون تعصب نتیجه معکوس خواهد داشت.



خود جای تحلیل فراوان دارد و در این مقال نگنجد. عدم نظارت صحیح و اصولی باعث شده بسیاری از هنرجویانی که صلاحیت تدریس آنها اول توسط هنرآموز مربوطه خودشان تایید نشده و دورههای آموزشی را تکمیل نکردند با صلاحیتد شخصی و به جهت کسب درآمد یا تبلیغ اقدام به تدریس

غیر اصولی کنند و این نظارت در ابتدا باید بر آموزشگاهها و مدیران آنان صورت می گرفت و بسیار زودتر باید به این معضل آموزشی توجه می شد. بدیهی است با متمرکز نبودن بحث آموزش و ورود هنرجویانی که دارای صلاحیت و رزومه نیستند و با افزایش قارچ گونه آموزشگاههای موسیقی و به حراج گذاشتن مجوزها آسیب هنری و معیشتی بسیاری بر کاربلدان و اساتید این حوزه وارد شده و موجبات ناراحتی و خسارت را برای افرادی که بدون تحقیق اقدام به انتخاب هنرآموز می کنند شده است.

وی در خصوص راهکارهای پیشنهادی اش برای بهبود وضعیت مدرسان موسیقی گفت: ابتدا نظارت و تصویب قانون و ضمانت اجرایی قوانین مربوطه و اجرا بی چون و چرا توسط نهاد ذی ربط و مسئول بدون اعمال ارفاق و باند بازی و پارتی بازی و این که رزومه هنرمندان در اولویت باشد نه لزوما تحصیلات دانشگاهی چرا که بسیاری از اساتید و پیشکسوتان ما مدرک دیپلم دارند اما بسیار با سوادتر از لیسانس و فوق لیسانسهای امروزه هستند که با اغماض و تغییر رشته دیگر به رشته موسیقی سعی دارند پشت مدار کشان پنهان شوند تا کم سوادی شان عریان نگردد. دوره آموزش و تحصیل موسیقی حداقل ۱۵ سال است نه ۴ سال.

مهاجر افزود: حمایت بخش خصوصی در کنار حمایت دولتی و حمایت همه جانبه انجمن صنفی و داشتن بیمه و اختصاص سوبسید فرهنگی موسیقایی می تواند به مدرسن حقیقی و راستین موسیقی کمک کند گرچه در سالیان گذشته این موارد در حد حرف

شود تا کسانی که کارت صلاحیت تدریس دریافت می کنند تنها در شهرهای خودشان درس بدهند و اجازه این کار را در شهرهای دیگر پیدا نکنند زیرا بسیاری به سمت تهران هجوم آورده اند و با شهریه های بسیار پایین تدریس می کنند و این ارزش کار افرادی را که در این شهر سال ها تدریس کرده اند را زیر سوال می برند. ضمن اینکه باید صلاحیت تدریس افراد درجه بندی داشته باشد که برای دوره های مبتدی، متوسط و بالاتر کارت های جداگانه صادر شود.

وی در پایان سخنانش به موضوع آزمون های مجازی صلاحیت تدریس اشاره کرد و گفت: متأسفانه در شهرستان ها وضعیت اینترنت خیلی بد است و برخی اوقات نمی شد نواخته های افراد را درست شنید.

محسن محترمی: مدرسین و معلمان موسیقی باید سطح

بندی شوند



محسن محترمی، نوازنده و مدرس ساز گیتار در خصوص نقش خانه موسیقی در بهبود وضعیت آموزش موسیقی گفت: خانه موسیقی باید نقش بسیار پر رنگ تری جهت بهبود وضعیت مدرسان، داشته باشد. برای مثال از طریق برگزاری کلاسهای آموزشی روش تدریس و برگزاری کلاس های ترمیک در طول سال بطور مداوم (دوره های تربیت مربی در خصوص رشته متقاضی تدریس).

وی افزود: البته با توجه به تغییرات شرایط آموزشی و نیاز جامعه به همسو شدن با پیشرفت های تکنولوژی از این به بعد احتیاج هست که متدهایی با روش های جدید (آنلاین و تولید محتوا) طراحی و بصورت فراگیر به مربیان آموزش داده شود. همچنین بهتر است ارائه مدرک این دوره ها برای اخذ مجوز تدریس الزامی باشد.

وی درباره لزوم سطح بندی مدرسان نیز گفت: بعد از طی این دوره ها معلمان باید سطح بندی شوند و مجوزی برای تدریس در دوره های (پایه، متوسط، پیشرفته) به ایشان داده شود. همچنین امکان ارتقاء رتبه تدریس فراهم شود تا باعث پویایی در جامعه معلمان شود.

این نوازنده و مدرس گیتار در پایان به فاکتورهای لازم تدریس اشاره کرد و گفت: داشتن شرط سنی، مهارت فردی ایجاد ارتباط، سابقه فعالیت مستمر در رشته متقاضی (بیش از ۸ سال)، داشتن دانش تئوریک در زمینه موسیقی (تاریخ موسیقی، سازشناسی، تئوری موسیقی و...) و علاقمندی به شغل تدریس و داشتن برنامه و هدف در پیشبرد کلاس ها از مواردیست که لازمه تدریس بشمار می رود. زیرا بحث تدریس متفاوت از مهارت های اجرایی فردی است

شروین مهاجر در پایان سخنانش گفت: شرح دروس و رپرتوار هنرستان و دانشگاه ها باید بازبینی و اصلاح شود و ردیف های دیگر و سازهای ایرانی و موسیقی محلی و مقامی و سازهای آنها باید به رسمیت شناخته شوند و مدارک دانشگاهی با ذکر تخصص و سبک نوازنده باشد و نباید تمام تمرکز بر سازهایی مثل تار و سه تار و کمانچه و سنتور و پیانو باشد. با توجه به حضور در جلسات آزمون متوجه شدم دیگر همکاران محترم هم شرایط آزمون را تسهیل کردند و خیلی سخت نگرفتند و به اصطلاح اغماض هایی در مورد همه انجام شده که امیدوارم این لطف باعث تغییر ظرفیت اشخاص نگردد و همیشه هنرآموزها در حال ارتقا و رشد و بالا بردن سطح دانش و مهارت نوازندگی خود باشند و از مواردی که در صلاحیت و تخصص آنها نیست پرهیز کنند.

حسین رضایی نیا: باید با نظارت روی آموزش به فکر

نسل های بعدی باشیم

حسین رضایی نیا، نوازنده و مدرس سازهای کوبه ای پیرامون وضعیت تدریس موسیقی در کشور گفت: تدریس موسیقی در حال حاضر وضعیت خوبی ندارد. در ساز دف که با دیگر همکاران صلاحیت تدریس مدرسان را بررسی می کنیم باید بگوییم که اکثر افراد در تئوری و ریتم مشکل دارند. بسیاری از اصطلاحات را نمی دانند، نمی شناسند و اصولاً معلم هایشان این موارد را آموزش ندادند و در کل باید بگوییم درک ریتم خوبی ندارد.

وی در باره راهکارهایی برای بهبود وضعیت آموزش موسیقی نیز گفت: بنظر من باید برای کسانی که متقاضی کارت صلاحیت تدریس هستند باید ورکشاپ هایی در خانه موسیقی برگزار شود تا دوره هایی را بگذرانند. این امروز بسیار لازم است و امیدوارم پس از بهبود شرایط کرونا این ورکشاپ ها برگزار شود.

رضایی نیا در خصوص نقش خانه موسیقی در برگزاری آزمون ها گفت: نقش خانه موسیقی بسیار ارزنده است و باید از دست اندرکاران خانه موسیقی تشکر کرد زیرا اخذ کارت صلاحیت تدریس به مدرسان انگیزه ی بیشتری برای کار می دهد. البته نباید از سر دلسوزی داوران همه افراد کارت صلاحیت تدریس دریافت کنند چرا که باید به فکر نسل های بعدی باشیم که سوادی را درست بیاموزند. وی افزود: باید جلوی بسیاری از آموزش ها را بگیریم. کسانی هستند که شش ماه یا یک سال دف زده اند و به خودشان اجازه میدهند درس بدهند! کسانی که درس می دهند دارند تجربه چندین سال نوازندگی شان را در میان می گذارند. الان می بینیم افرادی بدون هیچ رزومه ای اجرایی چه در آلبوم چه روی صحنه اقدام به تدریس می کنند. رضایی نیا گفت: همچنین باید تمهیداتی اندیشیده



فراز و نشیب‌های سال ۹۹
در گفتگو با حمیدرضا نوربخش مدیر عامل خانه موسیقی:

۱۴۰۰ سالی با چشم‌اندازها و فرصت‌های تازه



در آمد: سال ۱۳۹۹ سالی غیر قابل پیش بینی برای همه مردم جهان بود. سایه یک مهمان ناخوانده چنان بر سر مردمان کره خاکی سنگین شد که بر تمام شئون زندگی شان تاثیر شگرفت و انکار نا پذیر گذاشت. هیچ کس از کرونا در امان نماند. حتی اگر با چند لایه ماسک و دستکش و مواد ضد عفونی کننده به مقابله با آن برخاسته باشید و تا الان کرونایی نشده باشید، باز هم طعم این ویروس را چشیده اید. هر صنف و شغلی به فراخور ارتباطاتش با مردم دچار خلل شد. اگر چه برخی اصناف با هر ترفندی بود سعی در بی اثر کردن کرونا در امور روزمره شان داشتند اما برخی هیچ مفری نداشتند و در چنگ این بیماری جز تسلیم و رضا چاره ای نیافتند. موسیقی از اصناف و هنرهایی بود که بیشترین آسیب را در تمام دنیا و به مراتب بیشتر در ایران دید و همچنان متحمل این دشواری هاست. تعطیلی کنسرت‌ها و آموزشگاه‌ها آسیبی جدی به بیکر نحیف هنر موسیقی در ایران زد. هنرمندان موسیقی از هر طرف که می‌رفتند به یک پدیده بر می‌خوردند و کرونا ترجیح بند زندگی همه شد.

کرونا مهمانی بود که اواخر سال ۹۸ به دنیا آمد و ظاهرا به این زودی‌ها خیال رفتن ندارد. باید با این مهمان نه چندان خوشایند کنار آمد و زندگی مسالمت آمیزی را در کنارش بی گرفت. برنامه‌های خانه موسیقی ایران نیز دچار وقفه و خلل شد. انتخابات خانه موسیقی، نشست‌های ماهیانه، بزرگداشت‌ها، همایش‌ها، نمایشگاه‌ها و همچنین جشن خانه موسیقی در سال ۹۹ برگزار نشد. اما در این میان خانه موسیقی تمرکز خود را بر روی مواردی همچون امور رفاهی اعضا و برگزاری آزمون‌های صلاحیت تدریس و موارد مشابه گذاشت.

بر آن شدیم تا در پایان این سال عجیب و تلخ با حمیدرضا نوربخش، مدیر عامل خانه موسیقی ایران گفتگویی داشته باشیم تا هم نگاهی بیاندازیم به سال ۹۹ و همچنین برنامه‌های این نهاد صنفی هنرمندان موسیقی را برای سال ۱۴۰۰ بررسی کنیم:

***جناب نوربخش، در ابتدای گفتگو نگاهی به سال ۹۹**

داشته باشیم و اتفاقاتی که برای صنف و خانه پیش آمد

را بررسی کنیم، این سال برای اهالی موسیقی چطور بود؟

متأسفانه پایان سال ۹۸ که همان سال هم سالی عجیب و غریب بود، جهان با مشکل و معضل بی‌سابقه‌ای مواجه شد که طومار همه فعالیت‌ها را در هم بیچید و تمامی فعالیت‌ها را متوقف کرد، گویی که تابلوی ایستی روی کره خاکی نصب شد و همه چیز متوقف شد و بشر در بهتی بی‌سابقه و شوکی عظیم فرو رفت. به دلیل این که سابقه‌ای وجود نداشت طبیعتا پیش‌بینی‌های دقیقی هم وجود نداشت و افرادی اعم از مسئولین بهداشتی، پزشکان و دیگران هر کس به زعم خود پیش‌بینی‌ای می‌کرد. موضوع مسلم وضعیت همه مردم به ویژه اهل هنر بود که در گذشته بخش پررونقی هم نبود. در هر صورت جامعه موسیقی جامعه‌ای متکثر و بزرگ است که مردم تحت عنوان جامعه شاید با بخش قلیلی از جامعه موسیقی آشنایی داشته باشند و تعداد محدود و معدودی از چهره‌ها، فعالان، تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان این حوزه را بشناسند، شاید جامعه ما باور نکند ما بیش از ۱۶ هزار نفر و بلکه بیشتر فعال موسیقی در کشور داشته باشیم و برای هر کسی از مسئولین تا بقیه آحاد مردم این عدد عجیب است، زیرا تعجب می‌کنند که این گستردگی کجا دیده می‌شود؟ چطور کار می‌کنند و کجا هستند؟ اما واقعیت این است و آن تعداد قلیل هم کسانی بودند که فعالیت داشته‌اند و از معاش و زندگی قابل قبولی برخوردار بودند. البته تأکید می‌کنم که آن هم به نسبت سایر بیزینس‌ها و مشاغل انصافا آن قدر نیست، اگر ما بخواهیم فعالان اقتصادی را در کنار فعالان

موسیقی بیاوریم یا کسانی که احساس می‌شود کارشان رونق دارد و درآمد دارند باز هم ناچیز است، اما در هر صورت به قیاس جامعه موسیقی بله کسانی بودند که تمکن، درآمد، فعالیت و امرار معاش خوبی داشتند، اما مابقی تعدادی که عرض کردم افرادی هستند که حداقلی حداقلی زندگی کردند و دلیل ماندنشان در این عرصه عشق، دل بستگی و علاقه آن هاست. و گرنه به نظرم از لحاظ اقتصادی کاری غیرعقلانه است.

جمعیت چندین هزار نفری که به آن اشاره کردم معاش حداقلی داشتند، اما با رخدادهای پایان سال ۹۸ همین معاش اندک هم به خطر افتاد، امرار معاش غالب این افراد از طریق آموزش بود و تعداد دیگری هم در قالب اجرای برنامه‌های بسیار محدود، هنرمندان موسیقی نواحی اجراهایی در مناسبت‌ها، اعیاد و دیگر مراسم معاش خود را تأمین می‌کردند. خب تمام مجامع و مجالس تعطیل شدند.

***خانه موسیقی به عنوان تنها نهاد صنفی اهالی موسیقی برای کمک اعضا و هنرمندان این عرصه چه کاری توانست انجام دهد؟**

طبیعتا ما به عنوان نمایندگان این قشر وظیفه داشتیم تا برای این موضوع فکری کنیم، تنها پناهگاه این جمعیت خانه موسیقی است و این خانه تنها نهادی است که می‌تواند به آن مراجعه کنند و راهکار و چاره بخواهند. ما وظیفه داشتیم این کار را انجام بدهیم، پیش‌بینی می‌شد که پاندمی کرونا در تابستان تمام شود که نشد. زمانی که این پیش‌بینی‌ها وجود داشتیم با خود فکر کردیم که باید برای ۳ ماه از فصل بهار باید کاری کنیم تا در تابستان اوضاع بهتر

یعنی وقتی با هر کسی مواجه می‌شویم او می‌داند که یک مخاطب ۸۰ هزار نفری تجمیع شده، مشخص و شناخته شده دارد که بسیار مهم است.

این اتفاق به هر صورت رخ داد و بعدا کمک‌های دیگری گرفتیم و قریب به ۱۲۰ میلیارد تومان کمک دریافت کردیم که در همین هنر کارتها برای همه عددی واریز شد، البته این‌ها اقدامات کوچکی هستند، اما به هر صورت توان ما بوده و کارهایی که توانسته‌ایم انجام بدهیم تا گوشه‌ای کوچک از سختی دوستان را کاهش بدهد. که عدد مهمی نیست، اما به هر صورت مقدمات بوده.

* آیا این کمک‌ها ادامه خواهد داشت؟

همچنان پیگیری این کمک‌ها هستیم و تا زمانی که کرونا ادامه دارد این سیر هم باید ادامه داشته باشد. همچنین جلساتی برگزار کرده‌ایم و در این ایام پیگیری‌های زیادی داشتیم تا بتوانیم در پایان سال هم کمک‌های دیگری انجام بدهیم، امیدواریم این قائله تمام شود و این معضل به پایان برسد، اما تا زمانی که باشد این وظیفه ما هم هست، یعنی می‌خواهم بگویم ما نمی‌توانیم راجع به این جامعه بی‌تفاوت باشیم و باید تا جایی که می‌توانیم پیگیری‌هایی را انجام بدهیم.

* غیر از بحث هنر کارت خانه موسیقی چه مواردی را برای

اهالی موسیقی و اعضا انجام داد؟

به هر صورت مراجعاتی هم به خانه موسیقی داشتیم، مثلا اطلاعاتی بابت کسانی دادیم که دچار بیماری‌های خاص هستند و سعی کردیم آن‌ها را به طور ویژه ببینیم و مسائل درمانی و هزینه‌هایشان را پوشش بدهیم و مشکل‌شان را حل کنیم. کسانی که دچار معضل و مشکل ویژه بودند که این را بارها اعلام کردم، کسانی که واقعا زندگی‌شان تهدید می‌شود. یعنی کسانی هستند و با حداقل‌ها می‌گذرانند، اما کسانی هستند که واقعا دچار تهدید جدی هستند، این‌ها جزو وظایفی است که باید انجام بدهیم، مراجعاتی بوده و سعی کردیم مسائل‌شان را پیگیری کرده و تا جای ممکن مشکل را حل کنیم. ما متأسفیم که سال ۹۹ تمام فعالیت‌مان به همین مسائل محدود شده است، زیرا فعالیتی نبوده و نتوانسته‌ایم به مسائل دیگر فکر کنیم.

* البته قدم‌های مثبتی در خصوص آزمون‌های صلاحیت

تدریس مدرسان موسیقی سراسر کشور برداشته شد. در این خصوص هم توضیحاتی را بفرمایید.

خوشبختانه اتفاقی افتاد که مسئله سیر نظارت بر جریان آموزش موسیقی کشور بود، این دغدغه مهم ما از گذشته بود. البته در گذشته‌های دورتر این نظارت به عهده خانه موسیقی بود و نظارت می‌کردیم، متأسفانه در یک دهه یا قریب به یک دهه این نظارت از دست رفت و آسیب‌هایی هم داشت، این آسیب‌ها هم مهم هستند؛ جریان و آینده موسیقی کشور بستگی مستقیم به آموزش دارد، یعنی اصلا نمی‌شود مسأله آموزش را نادیده گرفت و مسئله‌ای نیست که آن را فقط یک اشتغال ببینیم. گاهی اوقات این مسئله خلط می‌شود و گویی باید به آن با هر کیفیت و هر شکلی فقط نگاه اشتغال زایی داشت. در صورتی که اینطور نیست و ما نمی‌توانیم نگاه اشتغال زایی صرف به آن داشته باشیم، بلکه مسئله‌ای تخصصی است که آینده

شود، با خود فکر کردیم که حداقل هزینه بیمه افراد را بپردازیم تا باری از دوش‌شان برداشته شود و این را پیش از این که عدد و رقم تأمین شود اعلام کردیم که جزو دیون ما باشد تا آن را دنبال کنیم. سه صنف بزرگ هنری موسیقی، تئاتر و سینما کارها را آغاز کردیم و در قالب صندوق اعتباری هنر که آن‌جا هم در هیئت مدیره همه ما تصمیم‌گیر هستیم، گفتیم که باید دنبال این کار را بگیریم و انجام بدهیم. از همان زمان هم من اعلام کردم که چنین اقدامی انجام خواهد شد، طبیعتا در مسیر اجرا با مشکلاتی هم مواجه شدیم، به هر حال با عددی ۳۶ میلیاردی روبه‌رو بودیم که باید این عدد را تأمین می‌کردیم آن هم با توجه به مشکلاتی که در کشور وجود داشته و هست. از طرفی تمامی نهادها، سازمان‌ها، دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و تمام صنوف مطالباتی داشتند و کشور هم در آن وضعیت قرار داشت و با کار سختی روبه‌رو بودیم به هر حال دنبال این موضوع رفتیم.

* ظاهرا بر سر راه پرداخت حق بیمه سه ماهه مشکلاتی

هم بود. چو آمد.

با نشیب و فرازهایی مواجه شدیم، در پرداخت دچار مشکل شد و طول کشید، اما به هر حال این کار را انجام دادیم و قولی که داده بودیم به سرانجام رساندیم. در مسیر هم چون با قواعد و قوانین سازمان تأمین اجتماعی آشنایی چندانی نداشتیم از اعضا خواسته‌هایی داشتیم و چیزهایی را اعلام کردیم که بعدا برخی از اعضا دچار مشکل شدند که بعد پوزش خواستیم و توضیح دادیم که بر اثر ندانستن مان بود و در جهت این که بتوانیم مشکل را حل کنیم. یعنی می‌خواستیم کسی دچار مشکل نشود. اول گفتیم برای اینکه بیمه افراد قطع نشود پرداخت کنند، اما عده‌ای پرداخت کرده بودن، دچار مشکل شدند و کسانی که پرداخت نکرده بودند کارشان سهل‌تر بود و روان‌تر انجام شد.

به هر حال مسائلی ناخواسته پدید آمد که عدم آگاهی ما به قواعد و قوانین سازمان تأمین اجتماعی این مسائل را پدید آورد. اما به هر صورت این کار را انجام دادیم و در مسیر دیدیم که کرونا ادامه دارد و این مصیبت تمام نشده و تمام هم نمی‌شود، گفتیم باید در این مسیر کارهای دیگری هم انجام داد تا سختی را کاهش بدهیم و مشکلات را تا حدی از دوش اعضای عزیز برداریم. تلاش‌ها و پیگیری‌های فراوانی از مسئولین انجام دادیم از معاون اول رئیس‌جمهور آقای دکتر جهانگیری تا آقای دکتر نوبخت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، جلسات متعددی داشتیم. آن‌ها هم همکاری‌های فراوانی داشتند و کارهایی انجام شد. یکی از اقدامات بسیار مهمی که اتفاق افتاد و به نظرم کار خوبی بود، تجمیع مسائل رفاهی، کمک‌ها و مساعدت‌های اهل هنر در قالب «هنر کارت» بود، فکر کردیم که این خانواده بزرگ که غریب به ۸۰ هزار نفر هستند.

* منظور تان تمام اقشار هنر است؟

بله تمام اقشار هنر؛ سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی، موسیقی، شعر، نویسندگان و... مجموعه فرهنگ و هنر، این‌ها خانواده‌های حدود ۸۰ هزار نفری هستند که الان هم در حال تجاوز از ۸۰ هزار نفر است. به هر صورت در صندوق تصمیم گرفتیم که این در قالب هنر کارت تجمیع شود، برای هر کسی شناسه‌ای ایجاد شود که هم جنبه هویتی و شناسایی دارد و هم کمک‌هایی که قرار است از هر جایی به این صنف شود، تجمیع و متمرکز خواهد شد. به این جهت خوب است،

ظرفیت‌های مغفول باشد، شاید تا الان هم اندکی استفاده می‌شده است. به هر حال جهان به سمت اقتصاد مجازی و الکترونیک می‌رود و با توجه به ظرفیت‌های موجود و این حجم عظیم استعدادها و این مصرف بالای موسیقی شاهد حرکت‌های خوب و مثبتی در این زمینه هستیم که این‌ها بتواند ضامن بقا، دوام، سربان و جریان موسیقی باشد و در مواجهه با این مشکلاتی که پیش می‌آید متوقف نشود. کما این‌که در جهان شاهدیم که خیلی از بیزینس‌ها و امور متوقف نشده است، این هم می‌تواند برای ما یک فرصت باشد، چشم‌انداز آینده را خوب می‌بینم، یعنی واقعیت این است که سال ۱۴۰۰ را سالی خوب می‌بینم، زیرا بستری‌های شناخته شده و فضاها و سختی‌های موجود قطعا زمینه‌هایی را ایجاد کرده است و آن زمینه‌ها ایجاد فرصت‌ها و چشم‌اندازهای نوین است. انشاءالله در سال ۱۴۰۰ فعالیت‌هایی با سازوکار مشخص و جدید آغاز شود. امیدواریم بیماری با آمدن واکسن هرچه زودتر فروکش کند و انشاءالله که زندگی جریان عادی خود را

یکی از تلخ‌ترین اتفاقات از دست دادن رئیس شورای عالی خانه موسیقی بود، کسی که رکن رکین این نهاد بود و جایگاه موسیقایی، هنری، تاریخی و فرهنگی‌شان به جای خود، اما در خانه موسیقی ایشان از ابتدا جزو کسانی بودند که از ستون‌های این نهاد به حساب می‌آمدند و تمام این سال‌ها با دغدغه و انگیزه مسائل را پیگیری می‌کردند

آغاز کند تا شاهد این مشکلات و معضلات نباشیم.

* و تلخ‌ترین اتفاق سال ۹۹ از نظر شما چه بود؟

امسال ضمن اتفاقات تلخی که داشتیم شاید یکی از تلخ‌ترین اتفاقات از دست دادن رئیس شورای عالی خانه موسیقی بود، کسی که رکن رکین این نهاد بود و جایگاه موسیقایی، هنری، تاریخی و فرهنگی‌شان به جای خود، اما در خانه موسیقی ایشان از ابتدا جزو کسانی بودند که از ستون‌های این نهاد به حساب می‌آمدند و تمام این سال‌ها با دغدغه و انگیزه مسائل را پیگیری می‌کردند. بسیاری از پیشرفت‌ها، گشایش‌ها و اقداماتی به استحکام پایه‌های این نهاد کمک کرد مرهون وجود استاد محمدرضا شجریان بود تا پایان عمر همین دغدغه را داشتند و مسائل خانه را پیگیری می‌کردند، با تأسف و تأثر در سال‌های اخیر دچار آن ناراحتی بودند که باز ریاست افتخاری با ایشان بود. متأسفانه امسال فقدان ایشان جزو حسرت‌های ما بود به تلخی امسال بسیار اضافه کرد.

همچنین عزیزان و بزرگان دیگری زیرا ما امسال شخصیت‌های ممتاز، درجه یک و بی‌جایگزین را در عرصه فرهنگ و هنر از دست دادیم، امیدواریم که همه این تلخی‌ها با پایان سال ۹۹ به پایان برسد و سال ۱۴۰۰ سال گشایش و بهبود اوضاع برای همه خصوصاً برای جامعه موسیقی باشد.

موسیقی به کیفیت این مسئله بستگی دارد. ما اگر بخواهیم جریان موسیقی سالم، باکیفیت و استاندارد باشد باید به آموزش نگاه جدی داشته باشیم. چه کسانی که می‌خواهند آموزشگاه تأسیس کنند چه کسانی که می‌خواهند در آنجا تدریس کنند و این تعهدی است که ما به این جامعه می‌دهیم.

یعنی امروز فردی به یک تابلو و مجوز آموزشی اعتماد می‌کند و در آنجا هزینه می‌کند و هم وقت و پول خود را می‌گذارد به امید این‌که آنجا بتواند واجد علم، دانش و فنی و بعد هم هنری شود تا بتواند خدمت کرده و این جریان را ادامه بدهد، پس ما نمی‌توانیم نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشیم. به همین دلیل خوشبختانه این کار هم البته کمی قبل از سال ۹۹ آغاز شد و در سال ۹۹ هم با توجه به مضیق‌ها، محدودیت‌ها و پروتکل‌هایی که آزمون‌های حضوری داشت توانستیم این آزمون‌ها را به صورت مجازی و استان به استان برگزار کنیم از اساتید و هیئت ژوری و داوران در خانه موسیقی با تعداد محدود دعوت کنیم تا این‌ها بتوانند از طریق مجازی آزمون‌ها را بگیرند که این با یک نرم‌افزار محقق شد.

* بحث بعدی انتخابات خانه موسیقی بود که برگزار نشد، در این رابطه هم توضیح بدهید.

بله در سال ۹۹ باید پایان بهار انتخابات را برگزار می‌کردیم و متأسفانه به همین دلایلی که عرض کردم برگزار نشد، البته دو نوبت مجامع را اعلام کردیم، دعوتنامه‌ها صادر و منتشر شد و هر دو بار با محدودیت‌های وزارت بهداشت و ستاد مبارزه با کرونا مواجه شدیم و بعد هم استعلام‌هایی که کردیم تا این لحظه به صورت مکتوب به ما اعلام کردند که مجاز به برگزاری هیچ مجمعی نیستید، خصوصاً که هر چه جلوتر آمدیم به فصل سرد هم برخوردیم که دیگر در فضای باز هم برگزاری انتخاب میسر نشد. امیدواریم این بیماری فروکش کند، اما در هر شکل سعی‌مان بر این است که در اولین فرصت در فصل بهتر بتوانیم در فضای باز و فاصله‌گذاری این کار را انجام بدهیم، زیرا این هم یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید هر چه سریع‌تر انجام شود.

* دو سال است که جشن خانه موسیقی برگزار نشد. سال ۹۸ به دلایل اجتماعی که هیئت مدیره برگزاری آن را به صلاح ندانست و سال ۹۹ هم که کرونا باعث برگزار نشدن این جشن شد. آیا سال ۱۴۰۰ برگزار می‌شود؟

جشن خانه هم طبیعتاً تابعی از همین مسئله و موضوع بود. امیدواریم سال دیگر بیماری نباشد و اگر هم بود باید بتوانیم به شکل مجازی برگزار کنیم، زیرا حجم انباشته‌ای از آثار و داورهای هم در کتاب و هم در تولیدات موسیقی داریم، که باید کارهای آن را انجام بدهیم که اگر این ماجرا ادامه‌دار باشد به شیوه‌ای به سرانجام خواهیم رساند.

* گریزی به اتفاقات تلخ و شیرین سالی که گذشت بزنیم. در بین این همه اتفاق بد، اتفاق خوب سال ۹۹ چه بود؟

در کنه هر چیزی خصوصاً بالایا و مسائلی از این دست باید اینطور ببیندیشیم که حتماً حکمتی در این وجود دارد و طبیعتاً در هر تهدیدی فرصت‌هایی هم موجود است. در این ایام به برخی بسترها بیشتر توجه شد و این که سازوکار موسیقی می‌تواند استفاده از خیلی

معرفی کتاب و آلبوم

و بیانی دیگر استفاده شده است. به کارگیری ساز کلارینت با مشخصات صوتی ویژه‌اش در اجرای قطعاتی بر بستر موسیقی ایرانی که برای این ساز ساخته و اجرا شده، ضمن ایجاد فضای موسیقایی آشنا از جهتی، با اجرای جواب آواز در بین قطعات، با رنگ صوتی و گستره‌ی صوتی‌اش سعی در ارائه‌ی فضایی دیگرگون در بستر موسیقی آوازی دارد. وی در ادامه گفت: هدف من از خواندن آوازا و تصانیف نه خوانندگی بلکه خواندن آنچه می‌اندیشم و آنچه می‌خواهم، فارغ از صدایی در گستره‌ی صوتی مرسوم و بیشتر در جهت ارائه‌ی موسیقی درون شعر است از دو جهت: موسیقی کلام و کلمات موسیقایی، که با طراحی آواز تلاش در ارائه‌ی آن فارغ از گستره‌ی صوتی موسیقی آوازی رایج را داشتم با صدایی بین زمزمه و خواندن. از این جهت اجرای بخش آوازی را نیز با این خواسته انجام دادم. و سر آخر دوست عزیزم بهزاد میرزایی نیز با سازهای کوبه‌ای در رنگ‌آمیزی این اثر مرا همراهی کرد.



کتاب «هفتاد نغمه در برابر باد»

علی اکبر شکارچی (ردیف دان، نوازنده کمانچه و آهنگساز) در خصوص عنوان کتاب «هفتاد نغمه در برابر باد» توضیح داد: این هفتاد ترانه از موسیقی لکی، لری، و بختیاری، که در زادگاهم با آنها ارتباط داشتم، موجب شد با این موسیقی و این اشعار از دوران کودکی تا به امروز آشنا باشم. اینها دانسته‌های من از آواهای این قوم است و نه تمام آن.

وی در ادامه گفت: این مجموعه شامل اطلاعات، دانش و آهنگ‌هایی است که آنها را از حفظ بوده‌ام. به همین خاطر به‌نظرم رسید این مجموعه را ثبت و ضبط کنم. عنوان «در برابر باد» از این بابت است که فرهنگ شفاهی اگر از سوی مردم حفظ نشود و اگر سینه‌به‌سینه ماندگار نشود و کارکردی در جامعه نداشته باشد درست مانند پر کاهی باد آن را با خود خواهد برد و به سرعت فراموش خواهد شد، چرا که زندگی مرتب در حال تغییر است.

علی اکبر شکارچی همچنین درباره‌ی دی‌وی‌دی همراه کتاب عنوان کرد: از آنجا که تعداد آوازاها زیاد بود، همان‌طور که هفتاد نغمه، اگر می‌خواستیم با ساز برای هر ترانه یک مقدمه اجرا کنیم و برای هر بیت یک جواب آواز بزنیم، حجم کار بسیار سنگین می‌شد، هم از نظر نت‌نویسی و هم از نظر تعداد سی‌دی یا دی‌وی‌دی. در نتیجه صرفاً آنها را خواندم، چرا که به گمانم آواز بهتر از هر سازی می‌تواند صدای اندیشه انسان را انتقال دهد.

این مجموعه در قالب ۱۲۰ صفحه رنگی است که نت آهنگ‌ها، ترجمه اشعار، هجاها و وزن‌های شعری، و کارکرد ترانه‌ها در آن آمده است، همچنین مقالاتی در کنار آن منتشر شده با موضوعاتی مثل دلیل فراوانی موسیقی سوگ در آهنگ‌های مردم زاگرس‌نشین، حضور عشق در عاشقانه‌های این ترانه‌ها، بحث فونتیک یا آواشناسی و مردم‌شناسی، همجواری لر و بختیاری و لک و تأثیر آنها بر یکدیگر و نیز تأثیر مهاجرت بر موسیقی اقوام.

آلبوم «عشق است و پیداست»

سیامک جهانگیری،

نوازنده نی و کلارینت و

آهنگساز در خصوص آلبوم

«عشق است و پیداست»

که با آهنگسازی، اجرای

کلارینت و آواز ایشان و

همراهی سازهای کوبه‌ای

بهزاد میرزایی منتشر شده

گفت: آنچه پیش روی

شماسست تجربه‌ای است

آشنا بر بستر موسیقی دستگاهی ایران که تنها در روایت آن از سازی دیگر



کتاب «هفت شهر نی»

کتاب «هفت شهر نی» شامل ردیف

موسیقی ایران و خاطراتی از هنرمندان

شناخته شده موسیقی ایران منتشر

شد. کتاب موسیقایی «هفت شهر نی» به

تألیف حامد امجدیان راهی بازار موسیقی

کشور شد و قطعات این کتاب نیز توسط

مؤلف اجرا و از طریق اپلیکیشن جامع نی

نوازی در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.



این کتاب شامل نتهای ردیف موسیقی ایران با ذکر مثال برای هر گوشه، ۵۱ قطعه ضربی، ۵۰ درس مقدماتی و خاطرات استادان موسیقی ایران است و چاپ دوم آن در ۵۷۷ صفحه با جلد گالینگور چاپ و منتشر شده است.

کتاب «هنر پدال گیری پیانو»

برگرفته از تفسیرها و نظریات دو

استاد برجسته‌ی پیانوی کلاسیک آنتوان

روبینشتاین و ترزا کارنو و ترجمه‌ی حمید

برراری به‌همراه مقدمه‌هایی از جوزف

بانووتز و برابان مان توسط نشر ماهور

منتشر شد. از آنتون روبینشتاین به عنوان

تنها رقیب جدی کنسرتی فرانس لیست

و ترزا کارنو بهترین نوازنده‌ی زن اواخر

سده‌ی نوزدهم هدایایی غیرمنتظره به جا مانده بود که کم‌اهمیت به نظر می‌رسیدند یکی از ویژگی‌های مهم در اجرای پیانو به نام «روح پیانو» یا همان هنر پدال گیری پیانو.

این دو با هم سنت و مکتبی را برای دنیای پیانو رقم زدند که عمیقاً نوازنده‌ها را تاکنون تحت تأثیر قرار داده است. فرای همه‌ی اینها، روش استفاده از پدال توسط آنها بسیار اهمیت دارد، نه فقط از



که دستمایه اصلی موسیقی شان موسیقی جز، موسیقی کلاسیک و موسیقی خاورمیانه است در پاییز سال ۱۳۹۶ بود که همراه با حسین علیزاده در شهرهای مختلف هلند به اجرای برنامه پرداخته بود. اعضای گروه رامبرانت در طول ۱۲ سال گذشته در کنار هم ساز زده‌اند و توانسته‌اند به یکی از مشهورترین گروه‌های جز در هلند تبدیل شوند. موسیقی آنها غنایی شاد و در عین حال حس قوی ماجراجویی دارد. دستمایه اصلی موسیقی آنها بر اساس قطعات اورجینال در این سبک‌ها، بداهه نوازی می‌کنند که همین شاخصه «رامبرانت تریو» را به عنوان یکی از خلاق‌ترین گروه‌های جز شناخته می‌شوند.



آلبوم «زنگانه»

این آلبوم شامل هشت آهنگ بی‌کلام از تک‌نوازی ساز رباب در دستگاه‌های موسیقی ایرانی است. بابک خضایی درباره این اثر می‌گوید: «مروزه نواختن سازهایی چون رباب که دست‌کم دو قرن

از فضای موسیقی ایران دور بوده‌اند عملی چالش‌برانگیز است. اما بازآوردن این ساز به فضای موسیقی ایران، نه یک تفنن برای راضی کردن حس نوستالژی، که یک ضرورت است. فضای صوتی موسیقی کلاسیک ایران بسیار به زنگ سازهایی چون تار و سه‌تار و سنتور خو گرفته. رباب می‌تواند با فاصله گرفتن از طنین فلزی، ریزهای پر و متوالی و تکیه‌ها و آرایه‌های بی‌شمار، فضاهای جدیدی از نغمه‌های ایرانی نمایان کند و با واخوان‌های متعدد، اصواتی غنی فراهم آورد.»

دیدگاه تاریخی بلکه از این نظر که حتی نوازنده‌های ماهر امروزی نیز می‌توانند روش‌های آنها را در پدال‌گیری دنبال کنند. تکنیک پدال‌گیری روپینشتاین برگرفته است از نمونه‌هایی از رپر توار بی‌شمار او که در سال‌های ۱۸۸۵-۱۸۸۶ اجرا کرده است. اما مشاهدات کارنو — که به سبکی غیر آکادمیک و با بیانی گرم نگاشته شده است — از حساسیت او به رنگ‌آمیزی‌هایی زیر کانه که با کمک لمس کلاویه و پدال‌گیری حاصل می‌شود پرده برمی‌دارد.

آلبوم «هم سان و هم سکوت»



آلبوم «هم سان و هم سکوت» با هنرمندی حسین علیزاده و مجموعه رامبرانت تریو منتشر شد. حسین علیزاده نوازنده شورانگیز، رامبرانت فرایش نوازنده فورته پیانو، هارمونیم، تونی اورواتر نوازنده ویولن و وینسنت پلانیه نوازنده سازهای کوبه

ای گروه اجرایی آلبوم را تشکیل می‌دهند. قطعات این آلبوم «درآمد»، «سماع»، «کرشمه»، «مقدمه نیشابورک»، «سرمست»، «رامبراندی نژاد»، «نهفت»، «تر کمن» هستند. گروه سه‌نفره هلندی رامبرانت تریو سال‌ها با هنرمندان مختلف همکاری‌های متعدد داشته و در بسیاری از فستیوال‌های بزرگ جز از جمله «بیم هوپی»، «نورث سی جز»، «لب جز» و فستیوال جز مادرید حضور داشته است. این مجموعه

درگذشتگان زمستان ۱۳۹۹

■ رضا کوهستانی

رضا کوهستانی، پیشکسوت موسیقی مقامی خراسان شمالی یکشنبه ۱۴ دیماه دارفانی را وداع گفت.



■ ابراهیم اثباتی

ابراهیم اثباتی نوازنده تنبور و آهنگساز بعد از مدت‌ها مبارزه با بیماری در سن ۴۹ سالگی دوم بهمن ماه دارفانی را وداع گفت.



■ رسول شریفی

رسول شریفی، خواننده و نوازنده سه‌تار شهر رفسنجان ۷ بهمن ماه در ۴۷ سالگی دارفانی را وداع گفت.



■ جمشید نجفی

جمشید نجفی، خواننده ترانه‌های مردمی عصر روز جمعه ۱۰ بهمن ماه بر اثر تصادف درگذشت.



■ براتعلی ابراهیمی

براتعلی ابراهیمی، از نوازندگان موسیقی مقامی شهرستان تایباد ۱۲ بهمن ماه در سن ۸۸ سالگی درگذشت.





یادنامه گلنوش خالقی

یادگار روح الله خالقی بار سفر بست

خود را در «کانون دوستداران فرهنگ ایران» آغاز کرد. وی سال ۱۳۶۹ به ضبط دو آلبوم موسیقی از آثار روح‌الله خالقی با عنوان «می‌تاب» پرداخت و مجدداً به آمریکا بازگشت. از جمله فعالیت‌های هنری گلنوش خالقی می‌توان به تأسیس و رهبری گروه «هم آوازان» رادیو و تلویزیون ملی ایران، همکاری با «کانون دوستداران فرهنگ ایران» در آمریکا، اجرای کنسرت ترانه‌های محلی ایران به همراه «پری زنگنه» در شهرهای آمریکا، تأسیس و رهبری «ارکستر روح‌الله خالقی» در واشینگتن، اجرای کنسرت و تنظیم آثار هنرمندان قدیمی موسیقی ایران همچون: «درویش خان»، «مرتضی نی داوود»، «علینقی وزیری»، «روح‌الله خالقی»، «مرتضی محجوبی» و... به همراه «ارکستر روح‌الله خالقی» در شهرهای آمریکا، تنظیم، رهبری ارکستر و انتشار آلبوم موسیقی «می‌تاب ۱» و «می‌تاب ۲» از آثار «روح‌الله خالقی» با خوانندگی «کاوه دیلمی»، ساخت آثاری برای پیانو، پیانو و آواز و تنظیم ترانه‌های محلی ایران برای پیانو، نویسندگی و انتشار کتاب «ای ایران» ۱۳۸۵، رهبری ارکستر در آلبوم موسیقی «موسیقی فیلم و نمایش» به آهنگسازی «فوزیه مجد» ۱۳۹۲ اشاره کرد.

گلنوش خالقی بهمن ماه ۱۳۹۹ در کشور آمریکا دار فانی را وداع گفت. به همین مناسبت با تنی چند از هنرمندان گفتگویی داشتیم اما در ابتدای این یادنامه پیام فرهاد فخرالدینی، رییس شورای عالی خانه موسیقی را با هم میخوانیم:

گلنوش خالقی، ۱۷ دی سال ۱۳۱۹ در تهران متولد شد. او در سال ۱۳۳۰ به هنرستان موسیقی ملی راه یافت و فراگیری ساز پیانو را آغاز نمود. از استادان وی در هنرستان می‌توان به حسین صبا، جواد معروفی و مصطفی کمال پورتراب اشاره کرد. در سال ۱۳۳۸ پس از دریافت دیپلم هنرستان موسیقی ملی، با رتبه نخست به هنرستان عالی موسیقی وارد شد و تحت تعلیم امانوئل ملیک اصلاتیان قرار گرفت. او پس از یک سال دیپلم هنرستان عالی موسیقی را نیز با رتبه اول دریافت نمود. پس از آن به عنوان دستیار استاد به آموزش پیانو و سرایش در هنرستان عالی موسیقی مشغول شد.

وی در سال ۱۳۴۱ به جهت ادامه تحصیلات موسیقی به اتریش سفر کرد و در «آکادمی موتزارتوم سالزبورگ» به تحصیل در رشته «رهبری کر» مشغول شد و پس از ۳ سال به آمریکا مهاجرت کرد و در «کالج اوبرلین» (اوهایو) تحصیلات خود را ادامه داد. پس از آن در سال ۱۳۵۳ مدرک فوق لیسانس رهبری کر را از دانشگاه ویسکانسین در شهر مدیسون دریافت نمود. در این هنگام با رهبرانی نظیر: «رابرت فاونتن» و «کورت پرستل» همکاری داشت.

او در سال ۱۳۵۳ به دعوت رادیو و تلویزیون ملی به ایران بازگشت و گروه «هم آوازان» را به جهت اجرای آثار کلاسیک ویژه گروه کر و ارکستر، بنا نهاد. پس از انقلاب در سال ۱۳۵۸ مجدداً به آمریکا مهاجرت نمود و فعالیت‌های هنری

متاسفم که یک دوست ارزشمند و رهبر کر و آهنگساز بزرگ گلنوش خالقی را از دست دادیم. با گلنوش خالقی ۵۸ سال پیش در وزارت فرهنگ و هنر آن زمان آشنا شدم و راجع به اپرای رستم و سهراب که می‌خواستیم بنویسم با ایشان صحبت کردم که مرا بسیار تشویق کردند و قرار شد مرا با استاد خالقی آشنا کنند. بعد از تحصیلاتم در وین که می‌خواستیم این اثر را بنویسم بسیاری از هنرمندان موسیقی کلاسیک بودند که نگذاشتند با من قراردادی بسته شود. ولی هنرمندان موسیقی ایرانی مرا بسیار تشویق کردند مانند استادان تهرانی، عبادی و خالقی.

وی افزود: مدیون گلنوش خالقی هستم که با استاد بزرگ، خالقی آشنا شدم و ایشان مرا بسیار تشویق کردند. استاد خالقی یکی از کارهایشان که سوئیت ایرانی بود را به من دادند که سال‌ها بعد که گلنوش کارهای پدرشان را گردآوری می‌کردند تنها کاری که پیدا نمی‌کردند همین بود که استاد به من تقدیم کرده بودند و من آن را فرستادم. چه خوب شد که گلنوش خالقی چنین کاری انجام داد و کارهای پدرش را در تاریخ زنده نگاه داشت. استاد خالقی مانند پرچم ایران با سرود ای ایران اش همیشه در قلب ما هست که شخصیت بزرگ و آرامی بود که مرا تحت تاثیر قرار داد. چکناوریان در بخش دیگری از سخنانش گفت: بر حسب اتفاق زمانی که گلنوش خالقی عازم سالزبورگ برای تحصیلات رهبری کر بودند و من هم برای آشنایی با کارل ارف عازم اتریش شدم. به پیشنهاد کارل ارف در سالزبورگ برای نوشتن اپرای رستم و سهراب ماندم و حمایت مالی هم کردند. در آن زمان وزارت فرهنگ و هنر این حمایت را انجام نداد ولی استاد کارل ارف از این اثر حمایت کردند. در اینجا بود که گلنوش خالقی بسیار به من کمک کردند زیرا من در آن زمان در حال مطالعه روی تلفیق شعر و موسیقی بودم که گلنوش خالقی در این زمینه بسیار وارد بود و ساعت‌ها و روزها به من کمک کردند و که به ایشان مدیون هستم. لوریس چکناوریان در بخش دیگری از سخنانش گفت: گلنوش خالقی از میان ما رفته است و من برای از دست دادن شخصیت اینچنین بسیار متاسفم، این پدر و دختر خدمت بزرگی به موسیقی ایران کردند. روحش شاد!

محمد سریر: گلنوش خالقی پیام «ای ایران» را رستار به گوش ایرانیان رساند



دکتر محمدسریر، آهنگساز و عضو شورای عالی خانه موسیقی (در پیامی به مناسبت درگذشت یاد گلنوش خالقی به نقش ارزنده پدر این هنرمند و همچنین خدمات وی به موسیقی ایران اشاره کرد. دکتر سریر گفت: «زنده یاد استاد روح الله خالقی در کنار آثار برجسته ای که طی

سال‌ها ساخته و با ارکستر گلها اجرا نموده اند، اثری ماندگار بنام ای ایران در قریب شش دهه پیش تصنیف و اجرا نموده اند که نه تنها بعنوان یک اثر موسیقایی ارزنده بلکه بعنوان یک سرود ملی

فرهاد فخرالدینی (رئیس شورای عالی خانه موسیقی) در پی درگذشت گلنوش خالقی، رهبر ارکستر و آهنگساز پیام تسلیتی صادر کرد:

خاموشی گلنوش خالقی یادگار استاد روح الله خالقی



«یکی از چهره‌های درخشان و تاثیر گذار در موسیقی ما شادروان روح الله خالقی هستند؛ ایشان با تاسیس هنرستان موسیقی ملی در تربیت هنرمندان صاحب نام نقش بسیار مهمی داشته اند. استاد خالقی با تالیف کتاب‌های متعدد در رشته موسیقی هم خدمت بزرگی به جامعه موسیقی کرده اند. آقای خالقی

بنیان گذار ارکستر انجمن موسیقی ملی و ارکستر بزرگ گلها بوده و به عنوان آهنگساز و رهبر ارکستر آثار ارزشمندی از ساخته‌های خود و دیگران را با تنظیم‌های زیبا اجرا کرده اند. این آثار در آرشیو برنامه گل‌های رادیو محفوظ بوده و بارها از رادیو پخش شده اند.

شادروان گلنوش خالقی فرزند چنین مرد بزرگی است. او تحصیلات موسیقی خود را در نزد پدر و استادان دیگر مثل حسین صبا، جواد معروفی، ملیک اصلانیان و ... در هنرستان موسیقی ملی و هنرستان عالی موسیقی شروع کرد و در سال ۱۳۴۱ برای ادامه تحصیلات عالی در رشته رهبری کر و ارکستر به آکادمی «موتزار» شهر سالزبورگ اتریش سفر کرد و سه سال بعد از آن به آمریکا رفت. او در سال ۱۳۵۳ مدرک فوق لیسانس خود را در رهبری کر از دانشگاه ویسکانسین در شهر مدیسون دریافت کرد.

گلنوش خالقی در همان سال به ایران آمد و گروه «هم آوازان» رادیو تلویزیون ملی ایران را تشکیل داد و تا سال ۱۳۵۸ رهبری گروه کر را در این سازمان برعهده داشت. چندی بعد به علت نامساعد بودن شرایط موسیقی به آمریکا رفت و ارکستر روح الله خالقی را در واشنگتن تاسیس کرده و به اجرای کنسرت‌های متعدد در شهرهای آمریکا و کانادا مشغول شد.

خانم گلنوش خالقی سال ۱۳۶۶ به ایران آمد تا آثار پدرش را با رهبری خود با ارکستر اجرا کند که متأسفانه اجازه چنین کاری را به ایشان ندادند؛ این آثار با رهبری او با صدای کاوه دیلمی در دو کاست به وسیله شرکت سروش منتشر شده است.

با نهایت تأسف درگذشت این هنرمند بزرگ و خادم موسیقی را به جامعه هنری و به عموم مردم شریف و هنر دوست ایران تسلیت می‌گوییم. روانش شاد

فرهاد فخرالدینی

لوریس چکناوریان: روح الله و گلنوش خالقی خدمت

بزرگی به موسیقی ایرانی کردند



لوریس چکناوریان (آهنگساز و رهبر ارکستر) درگذشت گلنوش خالقی را در صفحه شخصی خود تسلیت گفت. لوریس چکناوریان در بخشی از سخنانش پیرامون آشنایی با این هنرمند گفت: بسیار

جایگاه ویژه ای را در خاطره ایرانیان در هر کجای این جهان که زندگی می‌کنند ثبت نموده است.

این اثر نه تنها تاثیر خود را در حافظه تاریخی نسل‌ها ثبت نموده است، بلکه جایگاه و تعهد به گذشته، حال و آینده این سرزمین بعنوان یک اثر ملی برای ایران زمین را خاطر نشان ساخته است.

فرزند گرامی ایشان خانم گلنوش خالقی از موسیقیدانان معاصر که اخیراً مارا ترک کرده اند، با تنظیم مجدد آن اثر، پیام موسیقی را رساتر و ماندگارتر به گوش ایرانیان در هر نقطه جهان که زندگی می‌کنند رسانیده که در جان ایشان اثری عمیق گذاشته است.

یاد این پدر و فرزند ایران دوست گرامی باد.»

افلیلیا پرتو: ای کاش از توانایی‌های هنری گلنوش خالقی در ایران استفاده می‌شد



افلیلیا پرتو (نوازنده و مدرس پیشکسوت پیانو) درباره زنده یاد گلنوش خالقی گفت: درگذشت ایشان را به همه دوستان هنرمند و همدوره ای‌های هنرستان موسیقی ملی و جامعه موسیقی ایران تسلیت می‌گویم. جامعه موسیقی ایران یک هنرمند ارزنده راه از دست داد و جای تاسف بسیار دارد.

البته ایشان سعی کردند در ایران فعال باشند ولی موقعیت به ایشان داده نشد که فعالیتش را در اینجا انجام دهد و در کشور آمریکا آثار زنده یاد استاد روح الله خالقی را اجرا می‌کرد و دنباله روی کارهای پدرشان بودند.

وی افزود ایشان مانند پدرشان یک شخصیت قوی اخلاقی داشت و فرزندی که در خانواده خالقی تربیت شده باشد باید هم اینطور باشد. ایشان در هنرستان دو سال بعد از ما بودند ولی ما با هم بزرگ شدیم و جزو دوستان صمیمی ما بودند. ایشان تحصیل کرده کشور اتریش، رهبر کر و رهبر ارکستر بودند و ای کاش از توانایی‌های هنری شان در ایران استفاده می‌شد. اینجا فعالیت هایی هم داشتند که دو آلبوم با صدای زنده یاد کاوه دیلمی ضبط و منتشر کردند ولی جا داشت بیشتر از وجود ایشان استفاده شود. من بسیار متأسفم که ایشان را از دست دادیم.

افلیلیا پرتو در پایان گفت: ایشان به نحو بروزتری دنباله رو کارهای پدرشان بودند چون از نسل دیگری بودند ولی همواره تحت تاثیر پدر قرار داشتند. تا جایی که اطلاع دارم در آمریکا هم بسیار فعال بودند و چیزی مانند بنیاد برای استاد خالقی داشتند که آثار پدرشان و خودشان را اجرا می‌کردند. گلنوش خالقی دوست داشت در ایران فعال باشد. هر انسانی دوست دارد در حد دانش و توانایی اش در مملکت خودش کار کند. ایشان هم آمده بود که کار کند ولی متأسفانه نشد.

گیتی وزیری تبار: گلنوش خالقی هنرمندی بسیار با استعداد بود

گیتی وزیری تبار، نوازنده پیشکسوت ویولن و از دوستان زنده یاد گلنوش خالقی در ابتدای سخنانش با ابراز تاسف از درگذشت این هنرمند گفت: پدر من (حسنعلی وزیری تبار) با استاد خالقی همکاری داشتند و به همین خاطر هم من با گلنوش بسیار دوست و صمیمی بودیم و همیشه در هنرستان موسیقی با هم بودیم، ایشان هنرمند بسیار با استعدادی بود.



وزیری تبار افزود: گلنوش همیشه در هنرستان شاگرد اول بود، خاطره ای در ذهن دارم اینکه گلنوش در یکی از امتحاناتش در هنرستان نمره بیست آورد و از بچه‌ها شنیده می‌شد که چون پدر ایشان استاد خالقی هستند این نمره را به گلنوش داده است. آقای خالقی علیرغم میل باطنی شان و برای اینکه به این حرف‌ها خاتمه دهند دوباره از گلنوش امتحان گرفتند و دوباره ایشان نمره بیست را کسب کرد که نشان از هوش و استعداد بالایش بود.

این نوازنده و دوست قدیمی گلنوش خالقی گفت: خاطرات بسیاری از استاد روح الله خالقی و دخترشان گلنوش خالقی دارم. ایشان مانند دخترشان مرا دوست داشتند و برای من هم مانند پدر بودند. گلنوش در هنرستان از ما چند سال عقب‌تر بود ولی در برنامه‌های مختلفی هم با همکاری داشتیم.

گیتی وزیری تبار در خاتمه سخنانش گفت: من و همسر من (محمدظریف، نوازنده پیشکسوت فلوت) از وقتی این خبر را شنیدیم بسیار متأثر شدیم و این ضایعه را به جامعه موسیقی ایران تسلیت می‌گوییم.

وارطان ساهاکیان: گلنوش خالقی یادگارهای خوبی از خود بجای گذاشت



وارطان ساهاکیان (آهنگساز و مدرس پیشکسوت موسیقی) با ابراز تاسف از درگذشت گلنوش خالقی گفت: زنده یادان استاد روح الله خالقی و خانم گلنوش خالقی خدمات زیادی برای موسیقی این کشور انجام دادند. در حوزه موسیقی ایرانی، تلفیق و تنظیم‌های بسیار خوب داشتند که به

موسیقی بسیار کمک کرد. استاد روح الله خالقی کتاب سرگذشت موسیقی ایران و کتاب نظری به موسیقی ایرانی در دو جلد را نوشتند که قسمتی از آن مربوط به تئوری موسیقی ایرانی است و قسمتی هم در مورد ردیف‌ها و دستگاه‌های موسیقی ایران است. وی افزود: خانم گلنوش خالقی هم نوازنده خوب پیانو در

به من اجازه ندادند جای دیگری بروم.

گیتی خسروی گفت: ایشان بسیار توانمند بودند و جایگاه والایی در کار خود داشتند. در رابطه با آواز به واسطه تحصیلاتشان و همچنین خانواده هنرمندی که از آن بر آمده بودند ایشان آگاهی و دانش بالایی داشتند. همانطور که می‌دانیم یک رهبر کر باید آگاه به همه چیز باشد و ایشان هم یک وجود تمام و کمال بودند. گلنوش خالقی مبحث رهبری کر را آسان نگرفته بودند و در آن بسیار جدی بودند. ایشان در برهه ای به ایران آمدند و حاضر بودند با هر شرایطی کار کنند که این کار متأسفانه انجام نشد.

گیتی خسروی درباره تاثیر زنده یاد گلنوش خالقی در حوزه موسیقی ایرانی و آواز بانوان گفت: ایشان بعد از انقلاب به ایران آمدند و آثار پدرشان را به نوعی احیا کردند. ایشان همچنین آثار فولکلور ایرانی - که آقای گریگوریان گردآوری کرده بودند- را با ما در گروه هم آوازان کار می‌کردند و در یک فرم و سطح فوق العاده ای اینها را در صحنه‌های بسیار مهم اجرا می‌کردند.

وی افزود: همچنین ایشان بسیار برای بانوان قدم‌های خوبی برداشتند زیرا در دوره ای که گمان می‌شد موسیقی جایگاهی ندارد کارهای جدی با گلنوش خالقی شکل گرفت. به همراه تمام بانوانی که در گروه هم آوازان و در محیطی سالم بودیم براحتی کار می‌کردیم و هیچ مشکلی نداشتیم. ایشان باعث پرورش بانوان هنرمند آن زمان بودند و هریک از آنها بعدها توانستند شاگردانی تربیت کنند و در جامعه تاثیر بگذارند.

خسروی درباره تاثیر شادروان روح الله خالقی روی آثار و شخصیت هنری دخترش گفت: ایشان دست پرورده‌ی پدرشان بودند و به نظر من استاد خالقی خود را در دخترش دیدند و ایشان در فرم دیگری رشد کردند و به نظر در دامان مادر و پدری بزرگ پرورش یافتند. گلنوش در واقع همان روح الله خالقی بود که با امکانات نسل دیگری رشد و فعالیت کرد.

وی در مورد آخرین تماس هایش با گلنوش خالقی گفت: فکر می‌کنم ایشان چون نتوانستند کارهای خود را در ایران اجرا کنند بسیار ناراحت بودند. ایشان آمده بودند با قبول شرایط در ایران بمانند و کار کنند که متأسفانه نشد. من نتوانستم به آمریکا بروم و هر وقت با خانم خالقی تماس داشتم ایشان از من می‌خواستند به آنجا بروم و ایشان را ببینم که متأسفانه این مساله ممکن نشد. اثری هم بود با شعر فروغ فرخزاد که ایشان دوست داشتند من آن را بخوانم که در آخرین صحبت‌ها چند ماه قبل از فوت ایشان به این مساله تاکید داشتند ولی متأسفانه این اتفاق نیفتاد و ما ایشان را از دست دادیم.

این خواننده آواز کلاسیک گفت: از خاطرات خوبم با گلنوش خالقی ضبط اثر «آزادی» با شعری از فریدون مشیری در بحبوحه‌ی انقلاب است که این اثر را در رادیو تلویزیون ضبط کردیم. در آنجا آقای فریدون مشیری هم در تمرین‌ها حضور داشتند و شاعر و آهنگساز با هم تعامل داشتند و از خاطرات بسیار خوب من است.

موسیقی ایرانی بودند که موسیقی‌های فولکلور کشور را حمایت می‌کردند و سرود «آزادی» که برای کرال نوشته شده بود مورد کاربرد خیلی از هنرمندان و رهبران کر قرار گرفت. بطور مثال پارت پیانوی این اثر را خودم برای برای خانم آریینه سیمروجیان که رهبر گروه کر آارات بود تنظیم کرده و در اختیارشان قرار دادم. ساهاکیان گفت: گلنوش خالقی چه در شخصیت هنری خود ایشان که کارهای ارزنده ای دارند و چه در آثار پدرشان که بسیار روی آنها کار کردند و این آثار را رهبری کردند، بسیار یادگارهای خوبی از خودشان بجای گذاشتند و از این جهت باید درگذشت این هنرمند ارزنده را به جامعه هنری تسلیت بگوییم.

این آهنگساز پیشکسوت در پایان گفت: خانم گلنوش خالقی به عنوان یک رهبر می‌توانست کارهای موسیقی ایران را که برای سازهای مختلف و ارکسترال نوشته شده را بسیار برجسته‌تر به جامعه موسیقی ارائه دهند اگر ایشان می‌توانست کارهای خودش را چه در ایران چه دیگر کشورها اجرا و رهبری کند برای موسیقی ایران و جوانان بسیار مفید بود. خانم گلنوش خالقی جزو بانوانی بودند که موسیقی ایران را تحصیل کرده بودند و می‌توانستند هم برای گروه کر و هم برای ارکستر آثاری را بنویسند.

گیتی خسروی: گلنوش خالقی بانوان هنرمندی را در زمان خود پرورش داد

گیتی خسروی (خواننده پیشکسوت آواز کلاسیک) درباره نحوه آشنایی اش با زنده یاد گلنوش خالقی گفت: من از چهارده سالگی روی صحنه بودم و بعدها مدیریت طرح و برنامه کاخ جوانان جنوب را به عهده داشتم. یکی از شب‌ها بزرگداشت استاد روح الله خالقی بود و من در آنجا



خانم گلنوش خالقی را دیدم. همچنین از آن سال‌هایی که گروه کر هم آوازان تلویزیون تشکیل شد که مانند یک دانشگاه بود با ایشان همکاری داشتم. در آنجا از معلم‌های ایرانی و خارجی بسیاری برای آموزش استفاده می‌شد. اگر آن گروه کر هم آوازان که در آن وقت مانند یک سازمان بود ادامه پیدا می‌کرد ثمره‌های بسیار خوبی پیدا می‌کرد.

این خواننده آواز کلاسیک گفت: موسیقی همیشه برای من بسیار مهم بود و در این حوزه بسیار نظم داشتم. زنده یاد گلنوش خالقی در تلویزیون تمرینات بسیار جدی به ما می‌دادند. ایشان در گروه کر هم آوازان رهبری می‌کردند و صدا را هم در کنار دیگر معلم‌ها با ما کار می‌کردند. ایشان به خوانندگی، نوازندگی، آداب صحنه و ... بسیار توجه و آگاهی داشتند. گلنوش خالقی بسیار سختگیر بودند و تا جایی که یک بار تصمیم گرفتم از تلویزیون بروم. تا اینکه روزی با خانم خالقی صحبت کردم و ایشان به من گفتند چون صدای تو خاص است با تو سختگیری می‌کنم و ایشان

اخبار موسیقی

به پیشنهاد خانه موسیقی ایران /

نام خالقی، بنان، یاحقی و ظریف بر خیابان‌های تهران نشست

با تصویب اعضای شورای اسلامی شهر تهران روز سه شنبه ۱۹ اسفند ماه چهار خیابان در منطقه یک پایتخت به نام بزرگان موسیقی ایران، روح الله خالقی، غلامحسین بنان، پرویز یاحقی، هوشنگ ظریف تغییر نام یافت.

خانه موسیقی ایران از شورای شهر تهران و همچنین تلاش‌های دکتر محمدجواد حق شناس (رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر) در جهت نامگذاری خیابان‌های پایتخت به نام چهار استاد برجسته موسیقی قدردانی کرد.

این اقدام در پیشنهاد خانه موسیقی ایران برای نامگذاری معابر مختلف شهر تهران به نام استادان برجسته موسیقی ایرانی به رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر صورت گرفته است.

در پی تصویب بخشی از اسامی پیشنهادی، خانه موسیقی ایران از این اقدام شورای اسلامی شهر تهران و همچنین تلاش‌های دکتر محمدجواد حق شناس (رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر) قدردانی و ابراز امیدواری کرد در آینده ای نزدیک دیگر معابر پایتخت نیز به نام هنرمندان موسیقی مزین گردند.

لزوم تکمیل اطلاعات اعضا برای ارائه خدمات در سال ۱۴۰۰



اعضای خانه موسیقی برای بهرمندی از خدمات صنفی در سال آینده باید اطلاعات خود را در سامانه جامع هنرمندان تکمیل و بروز رسانی کنند.

از ابتدای سال جاری با شیوع ویروس کرونا و در پی آن تعطیلی و خلل بوجود آمده در فعالیت‌های موسیقی اعم از آموزش، اجرای کنسرت، انتشار آلبوم و ... خانه موسیقی به عنوان نهاد صنفی هنرمندان موسیقی کشور در صدد فراهم نمودن تسهیلاتی برای اعضا برآمد.

در همین راستا و با همکاری صندوق اعتباری هنر و وزارت ارشاد مسائلی از قبیل پرداخت حق عضویت بیمه فصل بهار سال ۹۹، صدور و اعطای هنر کارت، تمدید ملهت استفاده از بیمه تکمیلی در سال ۹۹ مورد استفاده اعضای خانه قرار گرفت.

منبع اصلی اطلاعات اعضا برای اعطای تسهیلات سامانه جامع هنرمندان است اما در ماه‌های اخیر در راستای اجرای طرح‌های فوق

و اعطای تسهیلات متاسفانه مشکلاتی از جمله عدم بروز رسانی اطلاعات شخصی اعضا باعث شد برخی از این تسهیلات بهرمنند نشوند.

با توجه به ارائه خدمات خانه موسیقی در سال آینده اعم از بیمه تامین اجتماعی، بیمه تکمیلی، هنر کارت و ... از کلیه اعضا درخواست می‌شود به سامانه جامع هنرمندان با نشانی <http://iranhmusic.ir/> crm (نام کاربری: کد ملی / کلمه عبور: کد عضویت) مراجعه نمایند و تمامی اطلاعات خود را (اطلاعات تماس، اطلاعات بیمه ای، اطلاعات تکمیلی، بروز کردن عکس و ...) تکمیل نمایند. در صورتی که اعضا در هر یک از مراحل بروز رسانی اطلاعات و ورود به پروفایل شخصی به مشکلی برخوردند می‌توانند با شماره‌های ۶۶۹۱۷۷۱۲ و ۶۶۹۱۷۷۱۳ تماس حاصل نمایند.

برگزاری جلسات بررسی پرونده‌های متقاضیان عضویت



جلسات هیئت مدیره کانون‌های تخصصی خانه موسیقی جهت بررسی پرونده‌های متقاضیان عضویت و بیمه در ساختمان شماره یک پس از چند ماه وقفه برگزار شد.

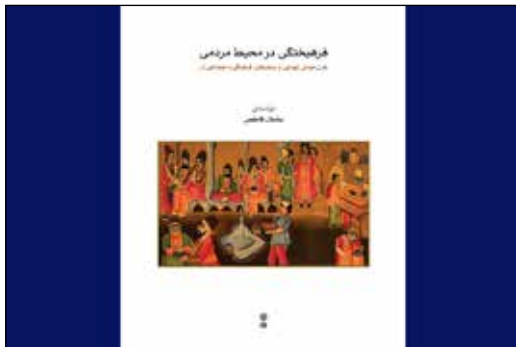
به دلیل شیوع ویروس کرونا و همچنین احتمال برگزاری انتخابات کانون‌های ده گانه، جلسات هیئت مدیره کانون‌های تخصصی با چند ماه وقفه مواجه شد، که با توجه به درخواست ثبت نام متقاضیان عضویت برگزاری این جلسات از ابتدای دی ماه از سر گرفته شد.

این جلسات در مرحله اول به دلیل لزوم فاصله گذاری اجتماعی با حضور حداقلی اعضای هیئت مدیره کانون‌ها به منظور بررسی پرونده‌ها برگزار شد و در مراحل آینده در صورت لزوم برگزاری آزمون برای برخی از متقاضیان بصورت آنلاین برگزار می‌شود.

کانون‌های ده گانه خانه موسیقی شامل کانون‌های نوازندگان سنتی، خوانندگان سنتی، نوازندگان کلاسیک، خوانندگان کلاسیک، مدرسان، آهنگسازان، پژوهشگران، ساز سازان، صدابرداران و ناشران است و در مرحله نخست بیش از ۲۵۰ پرونده متقاضیان عضویت و بیمه تا پایان سال ۹۹ مورد بررسی قرار گرفت و وضعیت عضویت متقاضیان مشخص شد.

متقاضیان عضویت در خانه موسیقی پس از بررسی سوابق آموزشی و اجرایی و مدارک مربوط به رشته مورد نظر و در صورت لزوم

کتاب «فرهبتختگی در محیط مردمی» برگزیده کتاب سال شد



کتاب «فرهبتختگی در محیط مردمی» نوشته ساسان فاطمی در رشته هنر برگزیده سی‌وهشتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد. برگزیدگان و شایستگان تقدیر سی‌وهشتمین دوره جایزه «کتاب سال» جمهوری اسلامی ایران و بیست‌وهشتمین دوره «جایزه جهانی کتاب سال» جمهوری اسلامی ایران شنبه دوم اسفندماه در مراسمی در مجموعه سعدآباد با حضور رئیس‌جمهور معرفی شدند. در این مراسم کتاب «فرهبتختگی در محیط مردمی» - غزل خوانی تهرانی و بسترهای فرهنگی - اجتماعی آن» نوشته ساسان فاطمی نشر ماهور (۱۳۹۸) در رشته هنر بعنوان برگزیده سی‌وهشتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد.

درباره‌ی این اثر، به قلم ساسان فاطمی می‌خوانیم: «غزل خوانی را، که در محیط رسمی به آن «کوچه‌باغی» و «بیات تهران» می‌گویند، نوعی آواز خوانی مردمی باید دانست که میان اقشار خاصی از جامعه‌ی شهری در پایتخت رواج دارد. این آواز خوانی، که محیط رسمی از آن تصویر نادرستی اشاعه داده، در واقع امتداد آواز خوانی کلاسیک در محیط مردمی است. این تحقیق که اساساً بر کار میدانی در تهران (و به‌خصوص شهر ری) و در موقعیت‌های مختلف ترنابازی، گروهی کبوتر، ورزش سنتی در زورخانه‌ها و غیره متکی است، قصد دارد نشان دهد که آنچه غزل خوانی را از آواز کلاسیک متمایز می‌کند کمتر در ویژگی‌های فنی موسیقایی نهفته است تا در نقش فرهنگی-اجتماعی‌ای که این آواز در میان اهل غزل (قشر فرهنگی‌ای که اجراکننده و مخاطب غزل خوانی است) ایفا می‌کند؛ نقشی که خطوط اصلی آن نوعی «فرهبتختگی» در محیط مردمی را به نمایش می‌گذارد.»

حامد ثابت برنده سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن

جشنواره فیلم فجر شد

حامد ثابت جایزه سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن سی و نهمین جشنواره فیلم فجر را به نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران تقدیم کرد. حامد ثابت که برای ساختن موسیقی متن فیلم سینمایی «بی‌همه‌چیز» برنده سیمرغ بلورین بخش مسابقه سینمای ایران - سودای سیمرغ جشنواره سی و نهم شد، پس از گرفتن جایزه‌اش چند کلمه حرف زد و سیمرغ را به رسم قدردانی تقدیم کرد. این آهنگساز جوان در سخنان کوتاه خود گفت: «تشکر می‌کنم از هیأت محترم داوران و همین‌طور محسن قرایی عزیزم کارگردان

اخذ آزمون توسط اعضای هیئت مدیره کانون‌ها در سه رده پیوسته، وابسته ۱ و وابسته ۲ درجه بندی شده و به عضویت خانه موسیقی در می‌آیند.

برگزاری مستر کلاس‌های صلاحیت تدریس در خانه موسیقی

مستر کلاس مدرسان موسیقی جهت ارتقای سطح کیفی تدریس در کشور فصل بهار در خانه موسیقی برگزار می‌شود. همزمان با برگزاری آزمون‌های صلاحیت تدریس در خانه موسیقی با هم‌اندیشی داوران آزمون‌ها نیاز به برگزاری مستر کلاس جهت رفع اشکالات مدرسان موسیقی احساس شد. از این رو با هماهنگی‌های انجام شده در فصل بهار ۱۴۰۰ با همکاری استادان و داوران آزمون‌های صلاحیت تدریس برای آن دسته از مدرسانی که در آزمون‌ها مشروط یا مردود شده اند مستر کلاس‌هایی با موضوعات مختلف برگزار می‌شود. برنامه، نحوه ثبت نام و شیوه برگزاری مسترهای یاد شده بزودی در سایت خانه موسیقی اطلاع رسانی می‌گردد. لازم به توضیح است، همزمان با برگزاری آزمون‌های صلاحیت تدریس داروان آزمون‌ها و همچنین مدرسان موسیقی خواستار برگزاری مستر کلاس رفع اشکال توسط خانه موسیقی هستند.

نحوه دریافت هزینه‌های پزشکی بیمه تکمیلی



اعضای خانه موسیقی که تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار گرفته اند برای اطلاع از نحوه دریافت هزینه‌های پزشکی با صندوق اعتباری هنر تماس حاصل نمایند.

بیمه تکمیلی اعضای صندوق اعتباری هنر از تاریخ ۱ مهرماه ۱۳۹۹ تا ۱ مهرماه ۱۴۰۰ برای اعضای خانه موسیقی که در موعد مقرر ثبت نام کردند برقرار است و اعضا میتوانند برای اطلاع از نحوه دریافت هزینه‌های درمانی با شماره مرکز تلفن صندوق اعتباری هنر (۴۲۷۱۳۰۰۰) تماس حاصل نمایند.

همچنین اعضا می‌توانند با مراجعه به سایت بیمه سرمد به نشانی <https://webapp.sarmadins.ir/> و وارد کردن کد ملی خود از سقف پوشش هزینه‌های پزشکی، اطلاع از مراکز طرف قرارداد بیمه تکمیلی و دیگر موارد مورد نیاز اطلاع حاصل نمایند. لازم به ذکر است، خانه موسیقی ایران با همکاری صندوق اعتباری هنر هر ساله جهت رفاه حال اعضا و پوشش حداکثری هزینه‌های درمانی اقدام به برقراری بیمه تکمیلی می‌کند.

ساز از ۴۸,۷Hz شروع می‌شود و تا ۲۶۸۵,۷Hz می‌رسد. کوشان در بخش دیگری از سخنانش درباره ساختمان این ساز گفت: «نوتن» تکامل یافته مجموعه ای از سازهای مشابه خود در کشورهای مختلف است و می‌تواند به فضا سازی در موسیقی کمک کند.

آلان کوشان در ادامه این جلسه برای نشان دادن گستره صوتی «نوتن» دقایقی با این ساز نواخت.

آلان کوشان نوازندگی ساز سنتور را نزد رضا ورزنده، فرامرز پایور و حسین ملک فراگرفت و به اروپا مهاجرت کرد. این هنرمند تحصیلاتی در رشته‌های آکوستیک، چوب شناسی، ساز سازی و ساز شناسی دارد و در زمینه‌های مختلف از جمله موسیقی، ساز سازی، سینما، تاتر، مجسمه سازی و مقاشی فعالیت داشته است.

پلاک کوبی سنندج به عنوان شهر خلاق موسیقی



حشمت الله صیدی (شهردار سنندج) پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه در مراسم پلاک کوبی سنندج، شهر خلاق موسیقی توسط رئیس سازمان برنامه و بودجه و استاندار کردستان اظهار کرد که در چند سال گذشته سازمان یونسکو شهرهایی که در سراسر کشور کارهای خلاقانه کرده‌اند در چند رشته معرفی می‌کند.

وی افزود که در شهرداری سنندج به جهت وجود بزرگان موسیقی این پتانسیل شناسایی شد و کارهای مقدماتی این ثبت جهانی کلید زده شد. شهردار سنندج تصریح کرد که با تدبیر استاندار و کمیسیون فرهنگی شهرداری بعد از ۲ سال پروپوزال ثبت سنندج به عنوان شهر خلاق موسیقی را تهیه کردیم.

صیدی عنوان کرد که در تمام دنیا ۳۰ شهر به عنوان شهر خلاق موسیقی معرفی شده‌اند که سنندج تنها شهر خلاق موسیقی کشور از سوی یونسکو شناسایی شده است. صیدی با بیان اینکه برای تکمیل مرکز فرهنگی سنندج ۵ میلیارد تومان نیاز است ادامه داد که شهرداری سنندج در ۴ سال آینده تعهداتی به یونسکو داده که یکی از آنها تکمیل مرکز فرهنگی است که روند اجرایی آن هشتاد درصد تکمیل شده است.

وی در پایان یادآور شد که اجرای موزه موسیقی یکی دیگر از تعهدات ما به یونسکو است که برای اجرای آن نیاز به ۵ میلیارد تومان اعتبار داریم.



فیلم و جناب نوروز بیگی. با اجازه هیات محترم داوران و با احترام به ایشان، می‌خواهم سیمرغ را تقدیم کنم به نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران. سپاسگزارم.»

بسیاری از آهنگسازان که موسیقی متن فیلم‌های سینمایی را در استودیو می‌سازند اما ثابت در ساختن موسیقی متن فیلم سینمایی «بی‌همه‌چیز» از نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی ایران روی صحنه تالار وحدت بهره برد و از امکانات بنیاد رودکی استفاده کرد. هیات داوران جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن را به این هنرمند جوان هدیه داد.

رونمایی از ساز ابداعی «نوتن»



ساز ابداعی «نوتن» با حضور آلان کوشان (طراح و سازنده این ساز ابداعی) و جمعی از علاقمندان و هنرمندان ۱۸ بهمن ماه در سالن اجتماعات خانه موسیقی رونمایی و معرفی شد.

در این جلسه که به دلیل محدودیت‌های کرونایی اعلام عمومی نشده بود و تنها جمع محدودی به دعوت سازنده ساز حضور داشتند، الف کوشکانی (آلان کوشان) در ابتدا به توضیحی درباره تاریخچه ساز سنتور در ایران و همچنین سرگذشت مختصری از نوازندگان شاخص سنتور در ایران ارائه کرد.

کوشان در بخش دوم سخنانش در باره ساز ابداعی نوتن گفت: ساز نوتن که شکل هندسی آن دوزنقه است، دارای ۱۶۸ سیم است که ۳۸ عدد از سیم‌ها ضخیم بوده و در برگیرنده اصوات بم و ۱۳۰ سیم آن دارای قطرهای مختلف در برگیرنده اصوات زیر و میانی است.

وی افزود: اصوات بم با کلید «فا» اصوات میانه و زیر از کلیدهای «دو» و «سل» استفاده شده است و فراکانس‌های این

